

## نقش اخلاق اسلامی در رساندن انسان به کمال

\*اسماعیل خارستانی<sup>۱</sup>

فاطمه سیفی<sup>۲</sup>

کاظم منافی شرف آباد<sup>۳</sup>

### چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش اخلاق اسلامی در رساندن انسان به کمال می باشد. روش پژوهش، توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی است. جامعه تحقیق شامل منابع دست اول (قرآن کریم و آثار مربوط و منتسب به پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) و دیگر بزرگان دینی) و منابع دست دوم (منابع غنی اسلامی و احادیث و روایات و اقوال منقول از معصومین (ع) و دیگر بزرگان) است که در کتابها، نشریات، پایان نامه ها، سایت های اینترنتی مذهبی و پژوهش ها و تحقیقات مرتبط با موضوع تحقیق می باشد. نمونه گیری به شیوه هدفمند انجام شده و بر این اساس از منابع مرتبط با موضوع تحقیق استفاده گردیده است. ابزار پژوهش نیز فیش برداری بوده است. در این تحقیق پس از بیان معانی و مفاهیم اخلاق، کمال، اصل و روش به این سؤالات پاسخ داده شده است:

۱- اهمیت و جایگاه اخلاق در اسلام چگونه است؟

۲- نقش اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم و معصومین (ع) چیست؟

۳- انگیزه های دستیابی افراد به کمال کدامند؟

۴- اصول و روشهای اخلاقی در رساندن انسان به کمال از دیدگاه قرآن کریم و معصومین (ع) کدامند؟

نتایج تحقیق نشان می دهد روشهای اخلاقی که قرآن کریم و پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) ذکر کرده اند، مسیر رسیدن انسان به کمال را روشن نموده اند که با عمل به آنها می توان به کمال حقیقی دست یافت. در پایان نیز پیشنهاداتی برای کاربردی نمودن تحقیق ارائه شده است.

**کلید واژه ها:** اخلاق، کمال، قرآن کریم، معصومین (ع)، اصول، روشها

<sup>۱</sup> پژوهشگر مطالعات اسلامی و کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت (تعلیم و تربیت اسلامی)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی

<sup>۳</sup> دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی

از دیدگاه قرآن، انسان موجودی است که می‌تواند کمالات بسیاری را به دست آورد، چرا که انسان استعداد تعالی جویی دارد. خداوند در نهاد و فطرت انسان استعداد سیر به سوی خدا را قرار داده است و لذا در قرآن می‌گوید:

«يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي». (سوره فجر، آیات ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰)

این آیه بیانگر آن است که انسان استعداد دستیابی به والاترین مراحل کمال را دارد، یعنی می‌تواند به چنان مقامی برسد که موجودی ملکوتی شود، موجودی که هم او را از خدا خشنود شود و هم خدا او را داخل بهشت و در کنار خاصان قرار دهد. (نصری، ۱۳۶۸)

روش قرآن در ساختن انسانهایی والا، با اخلاقی نیک و ارزشمند، به این صورت است که می‌کوشد انسان را از نظر اوصاف و طرز تفکر، طوری تربیت کند که دیگر در فکر و دل او محل و موضوعی برای ردائل اخلاقی باقی نماند. به عبارت دیگر قرآن با پیشگیری و تربیتهای لازم اجازه نمی‌دهد ردائل اخلاقی در دل انسان راه پیدا کند تا در صدد برطرف کردن این ردائل برآید. بلکه از اول دل او را با ایمان و عشق به خدا پر می‌کند و نتیجه ایمان به خدا هم جز اعمال و صفات نیک، چیز دیگری نخواهد بود. پس طریقه قرآن بر اساس توحید خالص و کامل بنا شده است، توحیدی که تنها در اسلام دیده می‌شود و خاص اسلام است. قرآن مجید روش اول را نمی‌پسندد و برای ساختن انسانها روش خود و روش انبیاء را بکار می‌برد. (طباطبائی، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۸)

اهتمام فوق‌العاده قرآن مجید به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس به عنوان یک مساله اساسی و زیربنایی است که برنامه‌های دیگر از آن نشات می‌گیرد؛ و به تعبیر دیگر، بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است.

تکامل اخلاقی در فرد و جامعه، مهمترین هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می‌کنند، و ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفساد و پدیده‌های ناهنجار می‌شمرند.

در حدیث معروفی از پیامبر اکرم (ص) می‌خوانیم:

«انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ من تنها برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شده‌ام.» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ح ۵۲۱۷۵، ج ۳، ص ۱۶)

در حدیث دیگری از امیرمؤمنان علی (ع) می‌خوانیم که فرمود: «لو كنا لانرجو جنه ولا نخشى ناراً ولا ثواباً ولا عقاباً لكان ينبغي لنا ان نطالب بمكارم الاخلاق فانها مما تدل على سبيل النجاح؛ اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ، و انتظار ثواب و عقابی نمی‌داشتیم، شایسته بود به سراغ فضائل اخلاقی برویم، چرا که آنها راهنمای نجات و پیروزی و موفقیت هستند.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۸۳)

این حدیث بخوبی نشان می‌دهد که فضائل اخلاقی نه تنها سبب نجات در قیامت است بلکه زندگی دنیا نیز بدون آن سامان نمی‌یابد! انسان به وسیله اخلاق اسلامی است که در نشأه آخرت به کمال نهایی خویش رسیده، و در نشأه دنیوی نیز به یک زندگی وارسته از همه قید و بندهای خواسته‌های نفسانی دست می‌یابد. (طاهری، ۱۳۷۰، ص ۱۲)

آیات و روایات اسلامی در ضمن بالا بردن سطح ایمان و درجه تعبد در انسان، و معتقد ساختن او به غیب و معاد، از طرفی او را مسئول اعمال و رفتار خویش می‌داند و سعادت و خوشبختی و یا بدبختی و بیچارگی در دنیا و آخرت را معلول رفتارهای خود انسان می‌داند و از طرف دیگر برای جلوگیری از سقوط بیشتر و بازگشت به خدا وی را به عفو و بخشش و خداوند امیدوار می‌سازد.

## بیان مساله

کسانی که قدم در راه کمال می‌گذارند، باید از ابتدا سعی کنند با تحصیل علم و بصیرت و سعی و تلاش در جهت خالص گردانیدن نیت و عمل خود و متابعت کامل از موازین شرعی، زیربنای محکمی برای حرکت خود پی ریزی کنند و هرگز فریب حالات روحی زودگذر را نخورند، بلکه با حوصله و پشتکار به شناخت سرمایه معنوی خود از ایمان و اخلاص و علائق و امیال و صفات گوناگون پردازند و سپس کمر همت بر میان بندند و به جبران کمبودها و تقویت ضعف‌ها و از بین بردن نارسائی‌ها پردازند. اگر در ایمان خود خللی می‌یابند، به تقویت و تحکیم آن پردازند و شک‌ها و تزلزل‌ها را تبدیل به یقین کنند تا در مراحل بعدی گرفتار انواع تردیدها و

سستی ها نشوند. و اگر در حالات روحی خود از نظر صفات مذموم اختلالاتی مشاهده می کنند، با یک برنامه جدی همراه با توکل به خدا به اصلاح آنها همت گمارند و چه بسا همین اصلاح حالات و صفات، خود سالها به طول انجامد؛ و یا اگر در معلومات خود نسبت به وظایف و تکالیف و مسائل تربیتی و معنوی و آنچه در این مسیر دانستنش لازم و ضروری است، ضعفی می یابند باید با تلاش های پیگیر به تحصیل علوم و معارف پردازند و بینش خود را تقویت نمایند و بدانند که این مسیر راهی نیست که با انواع جهل ها و نا آگاهی ها بتوان آن را طی کرد و به مقصد رسید. (سادات، ۱۳۶۷، ص ۲۷۶)

اخلاق، مطمئن ترین و ضروری ترین قواعدی را که رعایت آنها سعادت فرد و اجتماع را در پی دارد به ما می آموزد. بدیهی است که پیشرفت تمدن و ترقی در مراتب علمی، مادی و صنعتی، به تنهایی نمی تواند سعادت با رستگاری انسان و جامعه را تأمین و تضمین کند؛ چه بسیار جوامعی را می توان نشان داد که در اوج پیشرفت علمی صنعتی و برخوردارگی تمدنی درخشان، بدترین فساد ها، پلیدی ها، پستی ها، و بدبختی ها در آنها حاکم است و در آن مدنیت شکوفا، از صلاح و رستگاری خبری نیست. (کمالی، ۱۳۸۸، ص ۱۸)

از اینرو مساله اساسی این تحقیق این است که اخلاق اسلامی چه نقشی در رساندن انسان به کمال دارد و برای رسیدن به کمال چه اصول و روشهایی وجود دارد؟

### روش تحقیق

پژوهش حاضر، درصدد بررسی نقش و جایگاه اخلاق اسلامی در رساندن انسان به کمال می باشد، با عنایت به عنوان و مسأله اساسی پژوهش، این تحقیق به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی انجام شده است بدین ترتیب که کلیه اطلاعات و منابع مربوط به موضوع گردآوری شده و به شیوه کیفی به ارائه یافته های پژوهش پرداخته شده است.

### یافته های تحقیق

#### ۱- معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق، کمال، اصول و روش چیست؟

##### اخلاق

خُلق، عبارت است از سیمای باطنی و هیئت راسخ نفسانی که به موجب آن، افعال نیک و بد، اختیاری و بدون تکلف و تأمل از انسان صادر می شود که این حالت بر اثر تعلیم و تربیت و تمرین برای نفس پدید می آید؛ به گونه ای که رفتارهای پسندیده و یا ناپسند به طور طبیعی و بدون آن که به فکر کردن، نیاز باشد از انسان سر می زند. (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۱۰، ص ۳۳۳)

واژه اخلاق همانند دو واژه Moral و Ethics دو کاربرد متمایز دارد: گاهی اخلاق به معنی خلق و خوی، رفتار عادت شده و مزاج به کار می رود. همانگونه که دو واژه انگلیسی یاد شده، گاهی به معنای عادت و سنجیه و Custom بکار می رود. معنای دیگر این واژه ها دانشی است که از حسن و قبح و خوبی و بدی رفتار بحث می کند. اخلاق حرفه ای نیز به دو معنا اطلاق می شود: خلق و خوی حرفه ای و دانشی که از مسایل اخلاق حرفه ای در کسب و کار بحث می کند. (قراملکی، ۱۳۸۲، ص ۵۶)

##### کمال

کمال در لغت، به معنای تمام شدن، کامل شدن، تمام و آراستگی صفات است. (عمید، ۱۳۶۲، ص ۸۴۰) و در اصطلاح، به این معنی است که در ساختمان وجودی انسان، بُعدی بی نهایت قرار گرفته که انسان می تواند با گام برداشتن در راه خدا به (اعلی علیین) برسد.

از «کمال» در دیدگاه های گوناگون، تعریف های متفاوتی ارائه شده است؛ برخی معتقدند: کمال انسان در برخوردارگی از هر چه بیشتر از لذایذ مادی است. عده ای کمال انسان را در برخوردارگی جامعه از مواهب طبیعی می دانند. بعضی هم اعتقاد دارند: کمال انسان در برخوردارگی انسان از معنویت و روحانیت است که از طریق ریاضت و مبارزه با هوای نفس و دوری از لذت های مادی حاصل می شود.

و گروهی کمال انسان را در رشد عقلانی می‌دانند که از راه علم و فلسفه حاصل می‌شود. سرانجام برخی کمال انسان را در رشد عقلانی و اخلاقی می‌دانند که از راه تحصیل علوم و ملکات فاضله به دست می‌آید. (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴).

کمال به معنای انجام یافتن و تمام شدن است و در اصطلاح آنچه تمامیت شیء به آن است، کمال شیء نامیده می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۸۵۵۲-۱۸۵۵۰) کمال تمامیت شیء در ذات و تمام، تمامیت در صفات است. (احمد نگری، ۱۹۹۷، ص ۷۵۳) اگر بخواهیم برای کمال یک تعریف کلی بیان کنیم، هم شامل انسان خواهد شد و هم سایر موجودات. به طور کلی می‌توان گفت کمال یعنی از قوه به فعل رسیدن، این تعریفی است که فلاسفه برای کمال ارائه داده‌اند. (ناصری، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰) یعنی استعدادهای خاصی که دستگاه آفرینش در موجود به ودیعه گذاشته، به فعلیت برسد و در این مسیر، انحرافی رخ ندهد. (قائم امیری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶)

#### اصول

اصل مفهومی کلی است و ملاک و معیار واقع می‌شود؛ بنابراین نمی‌تواند امری جزئی و دارای یک مصداق معین باشد (شاتو، ۱۳۶۹، ص ۱۹۴)

اصول جمع اصل، واژه‌ای است عربی به معنای بیخ، بنیاد، ریشه، پایه و بن هر چیزی. (دهخدا، ۱۳۷۷، ماده اصل) اصول به دستورالعمل‌های کلی گفته می‌شود که بر مبانی مبتنی‌اند (باقری، ۱۳۷۶، ص ۶۴) بنابراین اصل، سلسله قواعد و معیارهای کلی (بایدها) است که متناسب با ظرفیت‌های انسان انتخاب و به منظور تعیین روش‌ها برای دستیابی به اهداف، مورد توجه قرار می‌گیرند.

#### روش

روش در کتاب‌های فارسی معانی گوناگونی دارد؛ نظیر: طرز، طریقه، شیوه، اسلوب، سبک و راه. (دهخدا، ۱۳۷۷، ماده روش) در عربی نیز معادل بلمات «المنهج» و «المنهاج» و یا «الطریق الواضح» (راه روشن) آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۸، ذیل ماده نهج) روش در اصطلاح به معنای «راه انجام هر کاری» است.

### ۲- اهمیت و جایگاه اخلاق در اسلام چگونه است؟

قرآن کریم در موارد متعدد، مسئله تزکیه و تربیت اخلاقی انسان‌ها را در زمره مهم‌ترین اهداف بعثت به شمار آورده است. یکی از نمونه کلام خداوند متعال در سوره جمعه؛ که فرموده: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» اوست خدایی که میان عرب امی (یعنی قومی که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم برانگیخت تا بر آنان آیات وحی خدا تلاوت کند و آنها را از لوٹ جهل و اخلاق زشت پاک سازد و شریعت کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد با آنکه پیش از این همه در ورطه جهالت و گمراهی بودند. (طباطبائی، بی تا، ج ۱۹، ص ۴۴۳)

اخلاق اسلامی در اعتقاد به توحید و یکتا پرستی ریشه دارد و دین در حقیقت پایه و مبنای اخلاق است. اعتقاد به خدا محور و پشتوانه تمامی فعالیت‌های اخلاقی انسان در عرصه جامعه است. قرب به خداوند انگیزه‌ای الهی در انسان ایجاد می‌کند و این انگیزه است که مبنای ارزش‌گذاری رفتارهای اخلاقی یک انسان دین‌مدار است. شهید مطهری می‌فرماید: خداشناسی پایه اخلاق است. انسانیت و آدمیت و اخلاق بدون شناختن خدا معنا ندارد یعنی هیچ امر معنوی بدون این که آن سر سلسله معنویات پایش به میان آید معنا ندارد ... وقتی که پایه‌ای در روح بشر نباشد چرا انسانیت؟ به من چه مربوط؟ ... (این اخلاق) پایه و اساس ندارد و نمی‌تواند داشته باشد ... دین ... اساس داشته و تجربه و آزمایش، صحت آن را ثابت کرده و چطور انضباط‌های اخلاقی محکم پولادین را به وجود آورده و بعد از این هم به وجود خواهد آورد. (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲۲، ص ۵۱۰).

اخلاق اسلامی با ویژگی خاص و بُعد متعالی خود، تضمین کننده سعادت انسان ها در همه عصرها، و ره توشه همه ره پویان راه کمال است. رعایت اخلاق نیک نسبت به یک دیگر در برخوردها و تمام ابعاد زندگی و رعایت حقوق جانی و مالی و... که عالی ترین نقش را در جذب دیگران و نفوذ در دل ها دارد، از عوامل مهم گسترش اسلام، بوده است.

پس او می تواند با ایجاد انقلابی در درون خود، در جامعه نیز انقلاب و تحول به وجود آورد و سمت و سوی همه چیز را به سوی هدف و مقصود اصلی، یعنی خداوند قرار دهد؛ امری که خلقت جهان براساس آن بنا شده است.

در نظام اخلاقی اسلام عمل عامل اخلاقی علاوه بر نیک بودن بایستی با انگیزه و نیت نیکویی نیز صورت گرفته باشد. نیک بودن عمل حسن فعلی آن بوده و نیکو بودن انگیزه عمل حسن فاعلی آن می باشد. اما مبدأ افعال اختیاری و عامل اصلی در تعیین ارزش آنها نیت فاعل می باشد. (مصباح، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹)

این مسأله (حسن فاعلی) تا حدی حائز اهمیت است که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) در این باره می فرماید: «همانا اعمال به نیت هاست و بهره هر کس همان است که نیت کرده. پس هر کس به سوی خدا و رسولش هجرت کند، هجرتش به سوی خدا و رسول خدا خواهد بود، و هر کس به سوی دنیا هجرت کند بدان قصد که به آن دست یابد یا به سوی زنی تا با او ازدواج کند، پس هجرتش به سوی همان چیزی خواهد بود که به سوی آن هجرت کرده است.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۹۰)

از این جملات و عبارات بر می آید که یکی از اهداف بعثت انبیاء، هدایت مردم به سوی کمال انسانی و تزکیه نفس از پلیدی ها بوده است؛ همچنین درک می شود که با وجود علم کتاب و حکمت و معارف در بیان اهداف مهم بعثت، تزکیه نفس مقدم بر تعلیم کتاب و حکمت بوده است و این خود، نشانگر اهمیت بیشتر علم اخلاق در مقابل علوم دیگر است. (کمالی، ۱۳۸۸، ص ۱۶-۱۷)

نقش اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی از منظر قرآن کریم و معصومین (ع) چیست؟ رفتار هر انسانی، صرف نظر از منزلت و جایگاه اجتماعی و عناوین شغلی، خوب یا بد است. کسی که در رفتار ارتباطی درون شخصی، به خود دروغ می گوید و خود را فریب می دهد، مرتکب رفتار زشت و ناپسند است و او را می توان فرد ضد اخلاقی دانست و کسی که با خود صریح و صادق است، در رفتار با خود، اخلاقی است

انسانها در رفتارهای برون شخصی نیز می توانند اخلاقی یا غیر اخلاقی عمل کنند. کسی بخشنده است و دیگری خسیس. فردی متواضع است و دیگری متکبر. بنابراین هر فردی صرف نظر از اینکه شاغل هست یا نه، نسبت به رفتارهای خود دارای مسئولیت است. این مسئولیت بر اصول معینی استوار است و این اصول در مجموع اخلاق فردی را می آفریند.

منظور از اخلاق فردی، اصولی است که صرف نظر از حیثیت اجتماعی انسان، به بیان ارزش های اخلاقی او می پردازد. جدیت و کوشش در راه خدا برای فرد انسان، ارزش است: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَهُمْ صُبُلَنَا». (سوره عنکبوت، آیه ۶۹، ۲۹) قرآن به استقامت و ثبات در راه خدا: «فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ»، (سوره فصلت، آیه ۴۱، ۶) و ترک پیروی از هوای نفس سفارش کرده است: «وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»، (سوره ص، آیه ۳۸، ۲۶) بستن چشم از نگاه به نامحرم و پاک دامنی که از عزت نفس نشأت می گیرد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصُرِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (سوره نور، آیه ۲۴، ۳۰) و نیز انتخاب الگو و اسوه ای دینی در زندگی هر فرد، مورد سفارش قرآن است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». (سوره احزاب، آیه ۲۱، ۳۳) خداوند، حسد را که حالتی درونی و فردی است، نکوهش می کند و از انسان می خواهد به بندگان او برای نعمتی که خداوند به آنان داده است، حسد نرزد: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، (سوره نساء، آیه ۴، ۵۴) و سرانجام از آدمی می خواهد که در توانگری از اسراف و تبذیر پرهیزد: «وَلَا تُبَدِّرْ تَبْدِيرًا \* إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ». (سوره اسراء، آیه ۱۷، ۲۶-۲۷)

اخلاق اجتماعی وزنه سنگینتری در علم اخلاق دارد و شخصیت انسان بیشتر بر محور آن دور می‌زند، اگر چه اخلاق فردی نیز سهم قابل توجهی در مورد خود دارد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۹ تا ۳۱)

وقتی اخلاق به صورت مطلق به کار می‌رود، بیش تر اخلاق اجتماعی منظور است، که به بیان اصول ارزشی حاکم بر روابط اجتماعی انسان می‌پردازد. مهم ترین اصل حاکم بر روابط اجتماعی، رعایت عدل و پرهیز از ستم است که مفاد آیات بسیاری در این زمینه است. خداوند از انسان می‌خواهد در رفتار عدالت پیشه کند؛ زیرا به تقوا نزدیک تر است: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (سوره مائده، آیه ۵، ۸) و نیز هرگاه سخن می‌گوید، به عدالت بگوید: «وَإِذْ قُلْتُمْ فَأَعْدِلُوا وَ لَوْ كَانُوا ذَاقِرِي» (سوره انعام، آیه ۶، ۱۵۲) و خود خداوند هم به عدل امر می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ» (سوره نحل، آیه ۱۶، ۹۰) و در مقابل از ستم نکوهش می‌کند و بر آن وعده عذاب دردناک می‌دهد: «إِنَّ الظَّالِمِينَ لَكَفَّ عَذَابُهُمْ أَلِيمٌ»؛ (سوره ابراهیم، آیه ۱۴، ۲۲) حتی از رعایت عدالت درباره دشمنان نیز نهی نمی‌کند. (سوره ممتحنه، آیه ۶۰، ۸) برخی از اصول اخلاقی که به نحوی از اصل پیش گفته ریشه می‌گیرند، عبارتند از: حرمت و قبح قتل انسان بی‌گناه: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» ، (سوره انعام، آیه ۶، ۱۵۱) سرقت: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (سوره مائده، آیه ۵، ۳۸) و کم‌فروشی که در غش و فریب کاری ریشه دارد: «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ»؛ (سوره مطفین، آیه ۸۳، ۱) در مقابل، حُسن و لزوم وفای به وعده و ادای امانت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» ، (سوره مائده، آیه ۵، ۱) «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» ، (سوره نساء، آیه ۴، ۵۸) اصلاح روابط برادران دینی: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (سوره حجرات، آیه ۴۹، ۱۰) و عفو و گذشت: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». (سوره آل عمران، آیه ۳، ۱۳۴)

### ۳- صفات و ویژگیهای انسان کمال یافته کدامند؟

۱- آرامش وطمأنینه: یکی از ویژگی‌های اساسی انسان کامل آرامش است که خدای متعال آن را در دل مؤمنین قرار می‌دهد (سوره فتح ، آیه ۴) و از یاد خدا به دست می‌آید (سوره رعد، آیه ۲۸). نماز، از مهم ترین مصادیق و نمادهای آن است. اضطراب نداشتن و نگران نبودن در امور، از خصوصیات اولیای الهی در قرآن شمرده شده است (سوره یونس، آیه ۶۲) که نتیجه ایمان و عمل صالح است (سوره مائده ، آیه ۶۹).

۲- ثبات شخصیت: یکی دیگر از ویژگی‌های انسان کامل در قرآن ثبات شخصیت است که انسان کامل با داشتن آن، در اثر تغییر و تحولات بیرونی دچار دگرگونی و اضطراب نمی‌شود. افسوس نخوردن به از دست دادن چیزی و شادمان و سرمست نشدن از به دست آوردن نعمتی، از ویژگی‌های ستایش شده این انسان‌ها در قرآن بیان شده است (سوره حدید، آیه ۲۳). ثبات در قلب به عنوان کانون احساسات و عواطف (سوره فرقان، آیه ۳۲) و ثبات در گفتار به عنوان ویژگی پسندیده انسان مؤمن در دنیا و آخرت (سوره ابراهیم، آیه ۲۷) و ثبات در رفتار به عنوان مدد و یاری خداوند برای مؤمنان (سوره محمد، آیه ۷) سه خصلت توصیف شده در قرآن است که شخصیت انسان را ثابت نگاه داشته است. قرآن پایداری در برابر آزمایشات را، پاداش ایمان و عمل صالح دانسته و آن را به درختی پاک تشبیه کرده است که ریشه و اساس آن استوار و غیر قابل تغییر است (سوره ابراهیم، آیه ۲۴).

۳- کرامت و عزت نفس: این ویژگی، در قرآن به عنوان یکی از صفات پسندیده انسان بیان و باعث فضیلت و برتری او بر سایر موجودات شده است (سوره اسراء، آیه ۷۰). ویژگی کرامت و عزت نفس، به جهت وجود عنصر ملکوتی و نفخه روح الهی در انسان (سوره حجر، آیه ۲۹) وی را سزاوار جانشینی خدا در روی زمین کرده (سوره بقره، آیه ۲۹) و توانایی تقرب به حق را به او داده است (سوره انشاق، آیه ۶). کرامت در قرآن از آثار تقوا شمرده شده که موجب ترفیع و تکامل وی می‌گردد. (سوره حجرات ، آیه ۱۳) و مخصوص خدا است (سوره آل عمران، آیه ۲۶) که به انسان‌های مؤمن عطا می‌کند. (سوره منافقون، آیه ۸).

۴- زندگی پاکیزه: (حیات طیبه) از دیگر ویژگی‌هایی است که در قرآن کریم به عنوان پاداش ایمان و عمل صالح ذکر شده است (سوره نحل ، آیه ۹۷). این صفت به بهره مندی از نعمت‌های معنوی الهی اطلاق می‌شود که در اثر اطاعت از خدا و پیروی از دستورات پیامبرش

حاصل می‌شود نه برخورداری از نعمت‌های مادی و دنیوی (سوره انفال، آیه ۲۴). قرآن کریم قصاص و کشتن جسم را موجب حیات می‌شمرد (سوره بقره، آیه ۱۷۹) و شهیدان در راه خدا را زندگان برخوردار از نعم الهی معرفی می‌کند. (سوره آل عمران، آیه ۱۶۹). امیرالمؤمنین علی (ع) دانشمند بی‌بهره از کمال را مرده‌ای می‌نامد، که در میان انسان‌ها حرکت می‌کند. (رضی، ۱۳۷۸، خطبه ۸۷).

۵- یقین: عالی‌ترین درجه ایمان و غایت بندگی و عبودیت در قرآن کریم، یقین شمرده شده است (سوره حجر، آیه ۹۹)؛ علمی که در نفس و روح آدمی رسوخ می‌کند و هرگونه شک و تردیدی را از آن می‌زداید و باعث آرامش و سکون نفس می‌گردد. یقین که منتهای تقوا و پرهیزگاری است، باعث خودآگاهی و خودشناسی (سوره اعراف، آیه ۲۰۱) و موجب شناخت انسان به حقایق اشیا (سوره انفال، آیه ۲۹) می‌گردد، به طوری که شخص می‌تواند ملکوت آسمان و زمین را ببیند (سوره انعام، آیه ۷۵) و به مقام امامت و کمال نفس نایل گردد (سوره سجده، آیه ۲۴).

۶- قلب سلیم: (سلامت روح) تنها خصیصه ارزشمند در قیامت یاد شده است. (سوره شعراء، آیه ۸۹) در قرآن، قلب به عنوان مرکز ثقل شخصیت انسان شناسانده شده است که قوای شناختی و عقلانی نفس (سوره محمد، آیه ۲۴) و قوای عاطفی و هیجانی آن (سوره انفال، آیه ۶۳) و قوای رفتاری و کرداری انسان (سوره انفال، آیه ۱۱) به عنوان ابعاد آن می‌باشد و ویژگی‌هایی همچون آرامش نفس (سوره فتح، آیه ۴)، رحمت و مهربانی (سوره حدید، آیه ۲۷) و طهارت و پاکی (سوره احزاب، آیه ۵۳) به آن نسبت داده شده است.

۷- انسجام و یکپارچگی: از دیگر ویژگی‌هایی که برای انسان کامل حاصل می‌شود، یکی کردن قوای متعدد نفسانی و همسو نمودن آنها در جهت خدای واحد است (سوره توبه، آیه ۳۱). نیروهای دعوت کننده به خیر و بدی که در نفس ملهمه وجود دارد. (سوره شمس، آیه ۸)، هر یک می‌خواهند انسان را به کاری گماشته و به سوی هدفی بکشانند. انسان کامل در این مرحله نه تنها خود را مالک چشم، گوش، و قلب خود نمی‌داند و همه آنها را در تملک حضرت حق قرار داده است (سوره یونس، آیه ۳۱) بلکه با اتصال به مبدأ واحد، از خود سلب انانیت کرده (سوره بقره، آیه ۱۵۶) و تمام اعضای جسمانی و روانی خود را با اراده خدای یکتا، یکی کرده و آنها را منسجم و یکپارچه متوجه خالق خویش می‌گرداند، که خالق آسمان و زمین است (سوره انعام، آیه ۷۹).

۸- حکمت: از دیگر ویژگی‌های کمالی در قرآن حکمت است که خصیصه‌ای برای درک و تشخیص اشیا است. شخص به وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را - که باطلی در آن نیست - درک کند (طباطبایی، ذیل آیه ۳۲ سوره بقره). قرآن کریم از «حکمت»، به عنوان خیر کثیر یاد می‌کند که به هر کسی که خدا بخواهد می‌دهد (سوره بقره، آیه ۲۶۹) و خداوند آن را به برخی از پیامبران خود عطا کرده است (سوره نساء، آیه ۵۴). قرآن از پیامبر خاتم به عنوان معلم حکمت یاد می‌کند که باید آن را به بندگان پیامبراند (سوره آل عمران، آیه ۱۶۴) تا آنها نیز با برخورداری از نعمت الهی، به معرفت و کمال نایل گردند (سوره بقره، آیه ۲۳۱).

۹- شرح صدر: گشادگی روح و روان را می‌توان از دیگر ویژگی‌های کمال در قرآن یاد کرد، که چون نوری روشنی‌بخش، از جانب خدا برای انسان ارزانی شده (سوره زمر، آیه ۲۲)، موجب هدایت و کمال وی می‌گردد (سوره انعام، آیه ۱۲۵). شرح صدر، به عنوان ابزاری مهم در پیامبری و هدایت‌گری، از جانب حضرت موسی (ع) درخواست شده (سوره طه، آیه ۲۵) و خداوند از آن به عنوان نعمتی بزرگ برای پیامبر خاتم خویش یاد کرده است. (سوره انشراح، آیه ۱)

۱۰- مهرورزی به دیگران: نوع دوستی از جمله صفات دیگر انسان کامل در قرآن است. یکی از ویژگی‌های ذاتی انسان در قرآن، «حب» بیان شده که خداوند آن را در انسان به ودیعه گذاشته است (سوره انفال، آیه ۶۳) و آن از جمله نعمت‌هایی بیان شده که موجب برادری و صمیمیت بین انسان‌ها گشته است (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳). دوستی با خدا (سوره بقره، آیه ۱۶۵)، دوست داشتن کارهای خوب (سوره عادیات، آیه ۸) و محبت به انسان‌های مؤمن دیگر (سوره توبه، آیه ۷۱) از جمله مصادیق مثبت مهرورزی در قرآن معرفی شده است.

#### ۴- انگیزه های دستیابی به کمال کدامند؟

۱- انگیزه کنجکاوی و انگیزه حقیقت جویی

نیاز به کمال، انسان را به کنجکاوی و حقیقت جویی و دانستن و آگاهی وامی‌دارد. این دو انگیزه «کنجکاوی» و «حقیقت جویی» در حقیقت، از انگیزه ریشه‌ای‌تر و اصلی‌تر «کمال‌خواهی» منشعب می‌شوند. (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶-۱۳۷)

این دو انگیزه انسان را وادار می‌کنند پیوسته در پی کشف مجهولات و حقایق باشد. اگر انسان به این دو انگیزه سمت و سوی صحیح و توحیدی - اخلاقی ندهد، موجب ناهنجاری‌های اخلاقی می‌شود.

۲- انگیزه استقلال طلبی و اعتماد به نفس

انگیزه «استقلال» و انگیزه «اعتماد به نفس» و نیز انگیزه «احترام» (حرمت خود) از گرایش‌های فردی و منشعب از انگیزه «قدرت» شمرده شده است.

انگیزه استقلال طلبی و انگیزه اعتماد به نفس، که از دیگر جلوه‌های انگیزه کمال‌اند، این حس را در مؤمن ایجاد می‌کنند که مستقل باشد. انگیزه اعتماد به نفس و خوداتکایی در صورتی تحقق می‌یابد که انسان توانایی‌ها و قدرت خویش را باور داشته باشد و بپذیرد که مهم و کارآمد است. با این برداشت و نگرش، می‌تواند مستقل باشد، کمتر به دیگران متکی بوده و مطمئن باشد که می‌تواند با بهره‌گیری از نیروها و توانایی‌های خود، به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یابد و سرانجام، به کمال مطلوب نایل آید. (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۲ و ۱۴۴)

۳- انگیزه پیشرفت

انگیزه پیشرفت یکی از مظاهر میل به کمال است. روان‌شناسان در پژوهش‌های خود، به این نتیجه دست یافته‌اند که انگیزه پیشرفت برآیند تعدیل انگیزه «موفقیت» و انگیزه «اجتناب از شکست» است. انگیزه پیشرفت نقش مهمی در رشد و تکامل فردی و اجتماعی افراد در همه زمینه‌ها، از جمله رشد اقتصادی در تمام فرهنگ‌ها دارد. (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵)

۴- انگیزه حرمت خواهی

یکی دیگر از گرایش‌های فرعی انگیزه «کمال»، علاقه به محبوبیت و احترام داشتن نزد خود و دیگران است. انگیزه کمال اجازه می‌دهد تا انسان نسبت به قابلیت، ارزشمندی و کارآمدی خود احساس اطمینان کند. در نتیجه چنین احساس‌هایی، انسان ممکن است در تمام جنبه‌های زندگی خود کارآمدتر و مولدتر شود. نیز انگیزه کمال موجب می‌شود تا علاقه به محبوبیت و احترام دیگران به شکل مقام، شهرت، موقعیت اجتماعی و مانند آنها متبلور شود. (مصباح، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۲۹)

انگیزه «احترام نزد خود» از دیدگاه اخلاق توحیدی در عزت نفس متجلی می‌شود. توضیح آنکه مؤمن موحد هیچ عزتی برای خود و دیگران بالاستقلال قایل نیست؛ همه عزت از آن خداست، و او عزت خود را از خدا می‌داند و عزت خود را در عزت حق می‌بیند و فی‌نفسه برای خود عزت و احترامی قایل نیست و خود را ذلیل درگاه حق می‌پندارد. این حالت ذلت عین عزت است؛ ذلت‌بندگی در عین عزتمندی خداوندی و شکوه ربّانی. (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۵۹ و ۳۷۴)

۵- انگیزه قدرت طلبی

از جمله امیال فطری انسان، میل به قدرت و توانایی بر انجام کار و تصرف در موجودات دیگر و تسخیر آنهاست. این میل چنان قوی است که انسان حتی به فعالیت برای تسخیر کهکشان‌ها نیز می‌پردازد. (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۸)

۶- چه عواملی مانع رسیدن انسان به کمال می‌باشند؟

عواملی که مانع پیمودن راه کمال و نیل به سعادت انسان می‌گردد فراوان است ولی مهم‌ترین آنها عبارتند از:



۱. تعلقات دنیوی: علاقه افراطی و خارج از چارچوب به مال، ثروت جاه، مقام و ریاست، انسان را از حرکت، هجرت و سلوک به سوی سعادت حقیقی که همان قرب الهی است باز می‌دارد. قلبی که با محسوسات انس گرفته و شیفته و دلباخته آنهاست، چگونه می‌تواند به طرف سعادت و عالم بالا، صعود کند؟ دلی که جایگاه محبت امور فانی دنیوی است چگونه می‌تواند تجلیگاه انوار الهی باشد؟ حضرت امام صادق (ع) می‌فرماید: «حب الدنيا رأس كل خطيئه؛ محبت دنیا ریشه هر گناهی است.» (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۷۳، ص ۹۰)

۲. پرحرفی و سخنان غیر ضروری و بی فایده: زیاد حرف زدن و پراکنده گویی، فکر را پریشان ساخته و قدرت اندیشیدن صحیح و تشخیص صواب از ناصواب را سلب می‌کند. پرحرفی نشانه کم عقلی است. امیر المؤمنین علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «اذا تم العقل نقص الكلام؛ وقتی عقل کامل گردد سخن گفتن کم می‌شود.» (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۷۱، ص ۲۹۰)

۳. ریاکاری: ریاکاری تخریب کننده فضائل اخلاقی و عاملی برای پاشیدن بذر ذرائع در روح و جان انسانهاست. ریاکاری اعمال را تو خالی و انسان را از پرداختن به محتوا و حقیقت عمل باز می‌دارد. خداوند در آیه ۲۶۴ سوره بقره می‌فرماید:

يا ايها الذين آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم بالمن والاذى كالذى ينفق ماله رئاء الناس ولا يؤمن بالله واليوم الآخر فمثله كمثل صفوان عليه تراب فاصابه وابل فترکه صلدا لا يقدرن على شىء مما كسبوا والله لا يهدى القوم الكافرين (سوره بقره، آیه ۲۶۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بخششهای خود را با منت و آزار باطل نسازید همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز رستاخیز ایمان نمی‌آورد (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهائی در آن افشاندن شود) و رگبار باران به آن برسد (و همه خاکها و بذرها را بشوید) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند، آنها از کاری که انجام داده‌اند چیزی به دست نمی‌آورند و خداوند جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند!

در این آیه تلویحا یک بار ریاکاران را فاقد ایمان به خدا و روز قیامت معرفی کرده و یک بار به عنوان قوم کافر، و اعمال آنها را هیچ و پوچ و فاقد هرگونه ارزش می‌شمرد چرا که بذر اعمالشان در سرزمین ریا کاری پاشیده شده که هیچ‌گونه آمادگی برای رشد و نمو ندارد. این احتمال نیز در تفسیر آیه وجود دارد که ریاکاران خودشان همانند قطعه سنگی هستند که قشر نازکی از خاک بر آن است و هیچ‌گونه بذر مفیدی را پرورش نمی‌دهد؛ آری! قلب آنها همچون سنگ و روحشان نفوذ ناپذیر و اعمالشان بی‌ریشه و نیاتشان آلوده است.

۴. دروغ: یکی از عوامل سعادت این است که آدمی از دروغ گویی پرهیز کند. امام علی (ع) در خطبه ۸۶ می‌فرماید: «جائثوا الكذب فأنه مُجانب للإيمان؛ از دروغ پرهیز کنید؛ چون دروغ مخالف با ایمان و ضد ایمان است.» «الصَّادِقُ عَلَيَّ... شَفَا مَنْجَاةٍ وَ كَرَامَةٍ؛ راستگو بر مقام بلند نجات و کرامت است.» «و الكاذبُ على شرف مهواةٍ وَمَهَانَةٍ؛ و دروغ گو بر لب پرتگاه سقوط و خواری است.»

اسلام به عنوان کاملترین و جامع‌ترین دین الهی خوشبختی و رستگاری انسانها را در قرآن بیان کرده است و در آیات متعددی به این موضوع پرداخته است. در قرآن حدود ۴۰ مرتبه از فلاح (رستگاری) سخن گفته شده و در ضمن آیات مربوطه از صفات و علائم رستگاران و سعادت‌مندان واقعی و اخروی سخن رانده است که البته رستگاری از هر دو بعدش هم دنیوی و هم اخروی مدنظر بوده و از آنجا که حیات اخروی جاودانی و ابدی است از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشد. (عبد الباقی، ۱۳۸۳)

۵. بدخلقی: بدخلقی صفت بسیار زشتی است که زندگی انسان را تیره و تار می‌سازد و صفا و صمیمیت را از شخص بدخلق و آشنایان و اطرافیانش دور می‌کند و تشویش و وحشت می‌آفریند. امام علی (ع) می‌فرماید: (لا وَحْشَتَهُ أَوْحَشُ مِنْ سُوءِ الْخُلُقِ) (آمدی، بی تا، ج ۶، ص ۴۰۰)

هیچ وحشتی ترسناک تر از بدخلقی نیست. زن یا مرد بد اخلاق، علاوه بر اینکه خود همواره دچار بیماری و اضطراب روحی است زندگی را بر دیگران نیز تلخ می‌کند و محیط خانه را - که باید کانون صفا و آرامش باشد - به جهنمی غیرقابل تحمل

تبدیل می کند. فرد بد اخلاق همه اهل خانه و اقوام و خویشان را ملول و افسرده می سازد و آنان را از خود منزجر می کند آن امام فرمود: (مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ مَلَأَ أَهْلَهُ) (آمدی، بی تا، ج ۵، ص ۳۲۸) هر کس بدخلق شود، خانواده اش از او منزجر می شوند.

تداوم این وضعیت کشنده به اندازه ای ایجاد تنفر می کند که اهل خانه به مرگ او اراضی می شوند! آن حضرت فرمود:

(مَنْ سَاءَتْ سَجِيئَتُهُ سَرَّتْ مَيِّتُهُ) (آمدی، بی تا، ج ۵، ص ۲۷۲) هر کس بد اخلاق شود، مرگش شادی آفرین است!

۶- حسد: امام علی (ع) می فرماید: «وَلَا تَحَاسَدُوا، فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ؛ نسبت به یکدیگر حسد نوزید، چون حسد ایمان را نابود می کند همچنان که آتش هیزم را می خورد». (رضی، ۱۳۷۸، خطبه ۸۶)

۷. کینه: امام علی (ع) می فرماید: «لَا تَبَاغَضُوا فَإِنَّهَا الْحَالِقَةُ؛ نسبت به یکدیگر بعض و کینه توزی نداشته باشید؛ برای اینکه کینه توزی موجب تباه شدن ایمان می شود». (رضی، ۱۳۷۸، خطبه ۸۶)

۸. بدبینی: هر یک از زن و شوهر باید به یکدیگر اعتماد داشته باشند و اجازه ندهند که جو بدبینی و بی اعتمادی بر زندگی آنان سایه افکند. گر چه مراقبت، دلسوزی، خیرخواهی و نصیحت در حد معمول، مقبول و پسندیده است ولی نباید به مرز بدبینی و عدم اعتماد برسد، در این صورت، به آرامش و صمیمیت - که لازمه زندگی مشترک است - لطمه می زند! امیر مؤمنان (ع) در این باره نیز می فرماید: (سَوْءُ الظَّنِّ يُفْسِدُ الْأُمُورَ وَيَبْعَثُ عَلَى الشُّرُورِ) (آمدی، بی تا، ج ۴، ص ۱۳۲). بدگمانی، کارها را مختل می کند و انگیزه شر می شود.

۹. آرزو: امام علی (ع) می فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَمَلَ يَسْهَى الْعَقْلَ وَيَنْسِي الذِّكْرَ؛ و بدانید که آرزو موجب اشتباه عقل و فراموشی از یاد خدا می گردد». بدانید که آرزوها تمام شدنی نیستند و انسان را به خود مشغول می کنند. (رضی، ۱۳۷۸، خطبه ۸۶)

۱۰. عُجْب: عجب عبارت است از اینکه (انسان) خود را بزرگ شمارد به جهت کمالی که در خود ببیند. خواه آن کمال را داشته باشد، خواه (در واقع) نداشته باشد. (نراقی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۸) شادی و شگفتی از عبادت، خود را قهرمان میدان عمل دانستن و در پی آن، ناز و کرشمه به خدا فروختن از نادانی و کوتاه فکری انسان سرچشمه می گیرد و دردی کشنده و آفتی بر باد دهنده است و هستی و حیات عبادت و کار نیک را نابود می سازد و از جمله آفت‌هایی است که ممکن است به همه نیکبها و پرستشها آسیب برساند. امام علی (ع) پیرامون آن فرمود:

(مَنْ أَعْجَبَ بِعَمَلِهِ أَعْجَبَ أَجْرَهُ) (آمدی، بی تا، ج ۵، ص ۳۱۰) هر کس از عمل خویش شگفت زده شود، اجر خویش را نابود کرده است.

امام باقر (ع) چنین فرموده است:

دو نفر وارد مسجد می شوند؛ یکی عابد و دیگری گنهکار، سپس آن دو در حالی از مسجد خارج می شوند که گنهکار، دوست خدا و عابد، گناهکار شده است. بدین جهت که عابد برای بالیدن به عبادت وارد مسجد شده و اندیشه گنهکار این بوده که از گناهش باز گردد و از خدا آمرزش بطلبد. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۲، ص ۳۱۶)

۱۱. بخل: همان طور که یاد کردیم، بخل به معنی (خودداری از بذل و بخشش در موارد لازم و ضروری است). بخل در مقابل سخاوت قرار دارد و از خصلت های بسیار زشت اخلاقی به شمار می رود. و دارای مراتب گوناگونی است. بدترین مرحله بخل خودداری از ادای حقوق واجب الهی و انسانی است مانند، نپرداختن خمس و زکات، کفارات، وام، نفقه، مهریه و مانند

آن ، قرآن مجید و روایات معصومین (ع) با شدیدترین لحن از بخل و تنگ چشمی یاد می کنند. این رذیله از دل بیمار و مغز معیوب ، سرچشمه می گیرد و خلاف فطرت انسانی است و نمی تواند مورد قبول دین و خرد قرار گیرد. امیرمؤمنان (ع) می فرماید: (الْبَخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ وَ هُوَ زِمَامٌ يُقَادُّ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ) (رضی ، ۱۳۷۸ ، حکمت ۳۷ ، ص ۱۲۶۶) تنگ چشمی ، کانون زشتی هاست و افساری است که بخیل را به سوی هر بدی می کشاند. به عنوان مثال ، مفسران نقل کرده اند که انگیزه اصلی تبهکاری و فحشای قوم لوط ، بخل و تنگ چشمی آنان بوده است. (مکارم شیرازی ، ۱۳۶۷ ، ج ۱۶ ، ص ۲۵۴)

۱۲. اسراف و تبذیر: اسراف به معنای زیاده روی و مصرف بیش از حد نیاز و شایستگی شخص همین طور مصرف مال در راه معصیت خداوند است (نراقی ، ۱۴۰۸ ، ص ۲۱۷) و تبذیر از ریشه (بذر) و به معنای دانه افشانی است که به طور کنایه برای ریخت و پاش کردن ثروت به کار می رود. (راغب اصفهانی ، ۱۴۱۲ ، واژه بدر) این دو خصلت ناپسند سبب ضایع شدن بسیاری از نعمت های الهی می شود و آثار زیانباری برای فرد و جامعه در پی دارد قرآن مجید برای ریشه کن کردن آن دو می فرماید: (... كَلُّوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ) (سوره اعراف ، آیه ۳۱) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خداوند ، مسرفان را دوست ندارد.

هیچ خردمندی نیز زیاده روی در مصرف و ریخت و پاش در مواهب الهی را نمی پسندد و هر کس چنین کند در واقع ، فرمان عقل و شرع را نادیده گرفته و در مسیر جهالت و طغیان ، گام نهاده است و فرجام او نیز جز دوزخ نخواهد بود همان طور که قرآن می فرماید: (... وَ إِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ) (سوره مؤمن ، آیه ۴۳) همانا اسرافگران اهل دوزخند.

این بلای خانمانسوز مصداق های گوناگونی دارد و علاوه بر مسائل مادی ، اسراف در فکر و عقیده ، اسراف در وقت ، اسراف در خواب و سخن گفتن ... را نیز شامل می شود که شرح آنها نیاز به فرصت دیگری دارد. ۱۳. تکاثر: معنای لغوی (تکاثر) مسابقه و رقابت (و چشم و هم چشمی) در افزایش ثروت و عزت است. (راغب اصفهانی ، ۱۴۱۲ ، واژه کثر)

افراط و تفریط در بهره وری از پدیده ها و منابع مادی ، خلاف عقل و منطق است و انسان نباید به آن مبتلا شود ، بیکاری ، فقر و نیازمندی ، جانب تفریط است همانگونه که استغنا و بی نیازی ، حدّ میانه است و تکاثر و انباشته کردن ثروت ، جانب افراط در مسائل مالی و به کارگیری مظاهر مادی .

انباشتن ثروت بدون غرض عقلایی ، کاری بیهوده و زیان آفرین است و به قیمت از دست دادن عمر تمام می شود و این بیماری با یافتن دارو - که همان ثروت است - روز به روز شدیدتر و کشنده تر می گردد و ثروت اندوز هر چه بیشتر می یابد ، بیشتر می خواهد و هرگز سیر نمی شود تا مرگش فرا رسد ، علاوه بر اینکه همواره اشک یتیمان و آه مستمندان ، بنیان زندگی و ثروت او را تهدید می کند چرا که همین زیرپرستی ها سبب درماندگی آنان شده است ، به تعبیر مولای متقیان (ع): (إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غَنِيٌّ) (رضی ، ۱۳۷۸ ، حکمت ۳۲۰ ، ص ۱۲۴۲) خداوند سبحان ، روزی مستمندان را در ثروت توانگران واجب کرده و هیچ فقیری گرسنه نمی ماند جز به سبب خودداری غنی (از پرداخت حقوق واجب خویش) همین طور آن امام همام در سخنی ظریف و حکیمانه ، ثروت را منشاء اصلی همه خواهش ویرانگر نفسانی دانسته ، می فرماید: (الْمَالُ مَادَّةُ الشَّهَوَاتِ) (آمدی ، بی تا ، ج ۱ ، ص ۱۵۳) ثروت اندوزی علاوه بر اینکه به خودی خود کاری عبث و نابخردانه است سبب بسیاری از مفاسد دیگر مانند طغیان و سرکشی ، بی دینی ، قساوت و در نهایت ، ندامت و دوزخ نیز می گردد.

## ۷- اهداف رسیدن انسان به کمال کدامند؟

(۱) رضایت الهی

کمال مستقلى را که اسلام برای انسان قائل شده، طبق آن احکام و مقررات خود را تنظیم کرده، و آن را ملاک حسن و قبح اخلاق قرار داده است، مراتب مختلفی دارد که جامع آنها، کامیاب شدن در زندگی جاودانی است. نازلترین مرتبه این کمال، رسیدن به لذایذ حسی پس از مرگ و عالی ترین آنها، نیل به معرفت کامل و آخرین مراتب قرب پروردگار است. اسلام در حقیقت انسان را به همان کمال نهایی بشر یعنی آخرین درجه معرفت و قرب پروردگار دعوت می کند، اما از آنجا که همه نفوس، آن همت را ندارند که به تمامی لذایذ دنیوی و اخروی پشت کنند و تنها قرب حق تعالی را وجهه نظر خویش قرار دهند و بگویند: «وَجْهَتْ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (سوره انعام، آیه ۷۹)

یا بگویند: «پروردگارا! اگر رضای تو در این باشد که برای همیشه در شکنجه و عذاب باشیم، خشنودی تو را بر لذت و سود خویش ترجیح می دهیم!» یا بگویند: «خدایا! تو را به سبب ترس از دوزخ و یا طمع در بهشت نمی پرستیم، بلکه چون سزاوار پرستش هستی، تو را عبادت می کنیم.» (کمالی، ۱۳۸۸، ص ۴۳)

در آیه ۱۸ فتح، آیه ۴۸ رضایت الهی نیز از عوامل فتح به شمار آمده است: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ... وَ أَنْبَهُمْ فَتَحًا قَرِيبًا». برخی از مفسران ذیل این آیه تصریح کرده اند که پیروزی وعده داده شده، نتیجه رضایت الهی از مسلمانان است. (طباطبائی، بی تا، ج ۱۸، ص ۲۸۵)

(۲) قرب الهی

مقصد نهایی حیات انسان آنچنان که از آیات قرآنی دریافت می شود مقام و مرتبتی است که از آن به «نزد خدا» تعبیر می شود، یعنی انسان در نقطه نهایی سیر استکمالی خویش به جایگاهی می رسد که آنجا، نزد خدا و جوار رحمت اوست. خداوند در قرآن در مورد سرنوشت نهایی متقین می فرماید: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلَكٍ مُّقْتَدِرٍ». (سوره قمر، آیه ۵۴ و ۵۵) محققاً پرهیزگاران در جنات و نهروانی در جایگاهی راستین در «نزد» خداوند سلطنت و عزت منزل خواهند گزید. پس کمال نهایی انسان در رسیدن به قرب ربوبی است و آمدن انسان به این جهان برای تحصیل لازم جهت وصال بحق است. از اینرو تمام مساعی تربیتی باید در جهت تحصیل این آمادگی و کسب شایستگی برای رسیدن به حضور خدا باشد، و چون این کمال جز در سایه اختیار و داشتن آزادی در انتخاب بدست نمی آید، لذا لازمه آن وجود برای آزمایش انسان است تا در مواجهه با عوامل مخالف و موافق و برسر چند راهی ها از روی اختیار و به انتخاب خویش، سرنوشت خود را رقم بزنند. از اینرو، در ضمن پاره ای آیات قرآنی، هدف از آفرینش انسان، آزمایش او شمرده شده است.

با توجه به اینکه کمال نهایی انسان رسیدن به مقام قرب الهی است، در نتیجه هر فعل و صفتی که انسان را در رسیدن باین مرتبه یاری کند و سبب ارتقاء انسان در مراتب قرب پروردگاری باشد، فضیلت محسوب می شود. بنابراین، در فلسفه اخلاق اسلامی، فضیلت فعل و صفتی را گویند که یا خود مستقیماً انسان را در مراتب قرب بالاتر برد یا زمینه را برای این سیر فراهم آورد. از اینرو اگر عملی بظاهر صالح و شایسته بنظر آید ولی اگر از نظر نتیجه نهایی انسان را به کمال نهایی نزدیک نگرداند، از نظر اسلام فاقد ارزش اخلاقی است زیرا بطوریکه گفته شده، در اسلام روح ارزش های اخلاقی را قرب بخدا تشکیل می دهد و ارزش هر یک از افعال انسانی به تناسب مساعدتی است که آن عمل در رسانیدن انسان به آن کمال نهایی دارد. (سادات، ۱۳۶۷، ص ۵۳)

## ۸- اصول اخلاقی رساندن انسان به کمال از منظر قرآن کریم و روایات معصومین (ع) کدامند؟

اگر انسان با تأمل و تفکر، امکانات و استعدادهایی که برای رشد و تکامل در او آفریده شده است، بشناسد، بهتری می تواند سرمایه های وجودی خود را به کمال برساند. (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳)

ایمانویل کانت ، از فیلسوفان بزرگ مغرب زمین، می گوید: انسان قبل از هر چیز باید به ارزیابی و شناخت دقیق توانایی خود پردازد. سعادت و بزرگمهر، ۱۳۸۱، ج ۶، ص ۲۳۱)

اگر کسی خودش را نشناسد و از عیوب و ضعف های خویش و توانمندی های بالقوه نفس خویش آگاهی نداشته باشد، هرگز به دنبال خودسازی، تهذیب اخلاق و کسب کمالات انسانی نخواهد رفت. (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۶)

سقراط در این زمینه می گوید: «بیهوده در شناخت موجودات خشک و بی روح، رنج مبر؛ بلکه خود را بشناس که شناخت نفس، بالاتر از شناخت اسرار طبیعت است». (حسن زاده آملی، ۱۳۶۱، ش، ج ۲، ص ۳۰۲)

از برخی آیات قرآن، چنین برداشت می شود که هر کس قدر نفس خود را فراموش نکرد، خدا را هم فراموش نمی کند. (سوره مائده، آیه ۱۰۵)

کسی که بخواهد از قدرت شگفت انگیز روحی خود استفاده کند و از وجود چنین نیروهایی در درون خود آگاهی داشته باشد و در صدد فعال ساختن آنها و بهره مند شدن از آنها و شناخت چگونگی استفاده از آنها برآید، باید خود را بشناسد. به تعبیر امام علی (ع): «کسی که خود را بشناسد، به بزرگ ترین رستگاری نائل شده است». (آمدی، بی تا، ج ۶، ص ۱۷۲)

انسان از طریق خودشناسی می فهمد که آزاد، مختار و مسئول آفریده شده، و هدف از خلقت او قرب به درگاه الهی، رسیدن به مقام عبودیت و بندگی و تخلّق به اخلاق و صفات کمال و جمال حق گشتن است، که این بالاترین سیر کمال بشر است. (حائری تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۸۷-۹۱)

#### ۱) اصل تقوی

تقوی رئیس اخلاق است. این عنوان ترجمه بیان امیر المؤمنین «(ع)» است که فرمود: «التقوی رئیس الاخلاق». یعنی مجموعه صفات پسندیده و مکارم اخلاق در تقوی نهفته است. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۰، ص ۲۸۴)

ریاست تقوی بر سایر مکارم اخلاق به این معناست که شخص متقی یک نوع حالت مواظبت دقیق و کامل در رفتارهای فردی و اجتماعی و سیاسی خود دارد، به هر چه نمی نگردد، هر صدا و آهنگی را نمی شنود، در هر محفل و جمعی حضور نمی یابد، سرهسفره رنگین نمی نشیند و از هر لقمه ای استفاده نمی کند، مواظب گفتار و زبان خویش است و بالاخره تا مطمئن به سلامت و صحت کاری نشود اقدام به انجام آن نمی نماید و این همه از برکت وجود تقوی است. (زیدان، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۵۲۳)

#### ۲) اصل زهد

زهد در لغت یعنی نداشتن حرص و رغبت به چیزی (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۹۷) و در اصطلاح عبارت است از: عدم دلبستگی به دنیا و مظاهر آن و چشم پوشیدن از برخی مواهب برای تأمین مصالح فردی و عمومی بالاتر. زهد در متون دینی به عنوان یکی از کمالات اخلاقی انسان شمرده شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اگر می خواهی خداوند تو را دوست بدارد، در دنیا زاهد باش.» (اِنَّ اَرَدْتَ اَنْ يُحِبَّكَ اللهُ فَارْزُقْ فِي الدُّنْيَا)، فیض کاشانی، ۱۹۸۳م، ج ۷، ص ۳۵۱)

امیر المؤمنین علی «(ع)» زهد را این گونه معنا فرموده:

«ایها الناس الزهاده، قصر الامل و الشکر عند النعم والورع عند المحارم» (ای مردم) زهد عبارت است از کوتاهی آرزو و سپاسگزاری هنگام نعمت، و پارسایی نسبت به کارهای حرام.

زاهد راستین به کسی می گویند که ضمن استفاده از مواهب و نعمات دنیا و حضور در متن جامعه هیچگاه اسیر و دل بسته دنیا و هر چه در او هست نباشد و به عبارت دیگر همیشه اوبر کالاهای دنیا حکومت می کند و نه آنکه پول و کالاهای دنیا براو حکومت کنند. (ارفع، ۱۳۸۱، ص ۳۶)

### ۳ اصل اخلاص

عنصر اخلاص در آدمی، باعث پرورش روحیه عبودیت به عنوان یک صفت متعالی می گردد و این روحیه مبدأ بسیاری از فضایل اخلاقی است. جامعه ای که اخلاق بر آن حکم براند و کار را برای خدا و تأمین مصالح جامعه انجام دهد، به عمق کار، بیش از ظاهر آن توجه می کند و به جای پرداختن به ظاهر، به آینده و نتایج ارزنده آن می اندیشد. (سبحانی و رضایی، ۱۳۸۶، ص ۷۸)

عملی که با نیت خالص و برای خدا انجام نگیرد برای انسان مفید نخواهد بود، بلکه در آخرت مضر هم خواهد بود. (سلطانی، ۱۳۶۴، ص ۳۲)

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «أَمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ أَمْرٍ مَانُوِي، فَمَنْ غَزَى، ابْتِغَاءً مَا عِنْدَ اللَّهِ، فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ غَزَى يُرِيدُ عَرَضَ الدُّنْيَا، أَوْ نَوِي عَقَالًا، لَمْ يَكُنْ أَلَا مَانُوِي؛ هَمَانَا كَارَهَا تَابِعَ قَصْدًا وَانْغِيْزَةً اسْتَوِي وَبِرَّاءِ هَرِّ كَسِي، أَنْجَحَ قَصْدَ كَرْدَه، خَوَاهِدَ بُوْد؛ پَس كَسِي كَه بِخَاطَرِ جَلْبِ رِضَايِ خُدَا بَجَنَگَد، مَسْلَمًا بَه اَجْرٍ وَپَادَاشِ اَلْهِي خَوَاهِدَ رَسِيْد، وَ هَر كَسٍ بَه خَاطَرِ مَالِ نَپَايِدَا رِ دُنْيَا يَا بَه قَصْدِ رَسِيْدِن بَه غَنَايِمِ جَنَگِي بَجَنَگَد، چِيْزِي بَرَّاءِ اَو نَخَوَاهِدَ بُوْد جِزْ أَنْجَحَ قَصْدَ نَمُوْدَه اسْت.» (حرعاملی، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۳۵)

### ۴ اصل ایمان

هیچ صفتی مانند صفت ایمان، انسان را به کمال نمی رساند، چون اعتقاد به خدای جهان و فرامین او است که انسان را به کمال می رساند. از این جهت باید تمام سعی و کوشش ما بر این باشد که خود را به این صفت بیاریم و گوهر انسانیت را از معدن فطرت استخراج کنیم که این کار بسیار دشوار است. (سلطانی، ۱۳۶۴، ص ۱۸۵)

حضرت رضا (ع) در خصوص ایمان می فرمایند: «ایمان پیوندی در دل و واژه‌ای بر زبان و کاری به اعضاست، ایمان جز این نیست.» (صدوق، ۱۴۰۳ هـ ق، ص ۱۷۸-۱۷۹)

آرزوی انسان، نیل به سعادت و خوشبختی است و ایمان راه رسیدن به این سعادت است. ایمان به آدمی نشاط، آرامش، اطمینان قلبی، معنا، امید، شجاعت و هدف می دهد. قرآن کریم، ایمان را بسیار گرامی می دارد و عامل رستگاری پرهیزگاران و هدایت یلفتگان می شمارد و تأکید می ورزد که ایمان می تواند آدمی را از تاریکیها به نور راه نماید. (سبحانی و رضایی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۵)

### ۵ اصل احسان

اصل احسان برای جبران کمبودهای موجود در جوامع است و داشتن روحیه ی احسان گرایی برای زدودن محرومیت ها بسیار کارآمد است؛ لذا خدای متعال به همراه فرمان به عدل، به احسان نیز امر فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ)؛ (سوره ی نحل، آیه ۹۰) همانا خداوند فرمان به عدل و احسان می دهد.

در هر جامعه ای کم و بیش افرادی یافت می شوند که به علل گوناگونی توان تاءمین زندگی خویش را ندارند، همچنین مواردی پیش می آید که نیاز به کمک توانگران احساس می شود مانند ساختن بیمارستان، مدرسه، پل و راه، مسجد و کارهای عام المنفعه دیگر. در این گونه موارد سخاوت و جوانمردی اقتضا می کند که آدمی به کمک هموعان خود بشتابد و با اتفاق بخشی از دارایی خود در رفع نیازمندی های عمومی سهیم شود. قرآن مجید این اقدام خیرخواهانه را برخاسته از ایمان دانسته، می فرماید: (قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا خِلالٌ)

سوره ابراهیم ، آیه ۳۱) به بندگان من (که ایمان آورده اند) بگو: نماز را برپای دارند و از آنچه به آنها روزی داده ایم ، پنهان و آشکارا، انفاق کنند پیش از آن که روزی فرارسد که نه خرید و فروشی در آن است و نه دوستی .

#### ۶) اصل اعتدال

اعتدال در همه مراحل زندگی و در ابعاد مختلف تاکید شده است. امام رضا (ع) نیز به این امر سفارش کرده اند و در این خصوص می فرمایند:

خود را با کار مداوم خسته نکنید و برای خود تفریح و تنوع قرار دهید ولی از کاری که در آن اسراف باشد یا شما را در اجتماع سبک کند پرهیز کنید (مجلسی، ۱۳۹۶ ق، ج ۷۸، ص ۳۴۶)

#### ۷) اصل محبت

از نظر اسلام، محبت بیشترین نقش را در ساماندهی جامعه آرمانی انسانی دارد. روایاتی که در مورد محبت از ائمه هدی (ع) وارد شده است، به روشنی اثبات می کند که جامعه مطلوب اسلامی، جامعه ای است که براساس محبت مردم نسبت به یکدیگر شکل گیرد. محبت مؤثرترین عامل پرورش انسان های شایسته، و کارآمدترین ابزار پیشبرد اهداف فردی، اجتماعی و مادی و معنوی است. محبت به قدری شیرین و لذت بخش است که با کمک آن می توان همه تلخی های زندگی و بسیاری از ضعف ها و نابسامانی ها و مشکلات کوچک و بزرگ فردی و اجتماعی را جبران کرد. در حدیثی حضرت سلیمان علیه السلام می فرماید: «هیچ چیز مانند محبت شیرین نیست». (محمدری شهری، ۱۳۷۹ ش ، ح ۳۸) از دیدگاه رسول گرامی اسلام (ص) وقتی دوستی برقرار شود، مشکلات و کمبودها به آسانی قابل تحمل است. آن حضرت در این باره با کنایه می فرماید: «هیچ مجلسی برای نشستن دو دوست، تنگ نیست». (محمدری شهری، ۱۳۷۹ ش ، ح ۸۶) عنصر محبت، آن قدر برای تحقق برنامه های دینی و هدایت انسان ها مؤثر دانسته شده است که امام باقر (ع) دین اسلام را چیزی جز محبت نمی داند. (محمدری شهری، ۱۳۷۹ ش ، ح ۸۶۴)

#### ۸) اصل توکل

در بسیاری از آیات قرآن مجید و روایات اسلامی و سرگذشت انبیاء و اولیاء و صالحان و در کتب علمای اخلاق و ارباب سیر و سلوک روی مساله توکل به عنوان یک فضیلت مهم اخلاقی که بدون آن نمی توان به مقام قرب الهی رسید، یاد شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۴۹)

منظور از توکل سپردن کارها به خدا، و اعتماد بر لطف اوست، زیرا «توکل» از ماده «وکالت» به معنی انتخاب وکیل نمودن و اعتماد به دیگری کردن است، بدیهی است هر قدر وکیل توانایی بیشتر و آگاهی فزون تر داشته باشد شخص موکل احساس آرامش بیشتری می کند، و از آنجا که علم خدا بی پایان و توانایش نامحدود است هنگامی که انسان توکل بر او می کند آرامش فوق العاده احساس می کند، در برابر مشکلات و حوادث مقاوم می شود، و از دشمنان نیرومند و خطرناک نمی هراسد، در سختیها خود را در بن بست نمی بیند و پیوسته راه خود را به سوی هدف ادامه می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۴۹)

#### ۹) اصل کرامت

کرامت به معنای بزرگواری (معین، ۱۳۷۵ ش ، ج ۳، ص ۲۹۲۹) و نزهت از پستی و فرومایگی و برخورداری از اعتلای روحی است؛ جوادی آملی، ۱۳۶۹ ، ص ۲۱-۲۳) و خدای تبارک و تعالی انسان را مفتخر به آفرینشی کریم کرده است تا در زمینه کرامت نفس به کمالات الهی دست یابد.

این اصل به انسان بودن انسان باز می گردد و اختصاص به دسته معینی از انسانها ندارد و همه شریفند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد (باقری، ۱۳۷۶).

از دیدگاه امام رضا (ع)، والایی و ارزش انسان به منزله پایه و اساس قرار می گیرد و قوانین دیگر با توجه به این عمل تدوین می شود. (صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۴)

(۱۰) اصل یقین

امام رضا (ع) فرمود: یقین، توکل بر خدا، و تسلیم در برابر خدا، و خشنودی به تقدیر خدا و سپردن (کارها) به او است. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۲)

کلینی گوید: گروهی از اصحاب ما از سهل بن زیاد و حسین بن محمد، از معلی بن محمد و همگی از وشاء از ابوالحسن الرضا (ع) نقل کنند که حضرتش می فرمود: ایمان، درجه‌ای برتر از اسلام، و تقوا درجه‌ای از ایمان برتر، و یقین درجه‌ای بالاتر از تقواست، و چیزی در میان مردم کمتر از یقین قسمت نشده است. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۱)

(۱۱) اصل ایثار

با استفاده از آیات می توان از این اصول ارزشی در جهت دهی پیوندهای اجتماعی بهره برد. مقتضای عقل آن است که هر فرد به اندازه ای که در زندگی اجتماعی و تحصیل مصالح جامعه مؤثر است، به همان اندازه نیز از نتایج زندگی اجتماعی بهره مند شود؛ و این همان اصل عدل است. حقیقت عدل و قسط آن است که به اندازه ای که افراد بار دیگران را به دوش می کشند، دیگران نیز بار آنان را بر دوش گیرند. قرآن کریم در سفارش به این اصل مهم می فرماید: (إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ)؛ (سوره ی نساء، آیه ی ۵۸) چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید.

ایشار در لغت به معنای برگزیدن، دیگران را بر خویش مقدم داشتن و مانند آن است و در قرآن کریم نیز به معنای لغوی به کار رفته است. چنان که می فرماید: (بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰ وَ اللّٰئِي) (سوره اعلی، آیه ۱۶) آری، شما زندگی این جهان را برمی گزینید.

ایشار در اصطلاح عبارت است از: بخشش مال به کسی، با وجود احتیاج (خود) به آن. (نراقی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۲) این معنای بیشتر در مقدم داشتن دیگران در امور مالی یا مقدم داشتن خواسته دیگران، صدق می کند، ولی آنچه در امور نظامی مطرح است چیزی بیش از اینهاست و گذشت از جان، مال، مقام، شخصیت و مانند آن را نیز شامل می شود؛ بدین معنا که یک انسان مکتبی در راه اعتلای پایگاه اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی و برافراشتن پرچم توحید، با تمام امکانات خود تلاش کرده، از بذل جان و مال خویش در راه هدف مقدّس بویژه در مصاف با دشمن در میدان نبرد دریغ نکند.

در روایات معصومین: نیز ایشار به عنوان (خوی و خصلت ابرار و برگزیدگان الهی، نیکوترین احسان و عالی ترین مرتبه ایمان) شمرده شده است، چنان که امیر مؤمنان (ع) فرمود: «الْأَيْثَارُ سَجِيَّةُ الْأَبْرَارِ وَ شَيْءٌ مِّنْهُ الْأَخْيَارِ» (آمدی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۴) ایشار خوی نیکوکاران و شیوه نیکان است.

### از منظر قرآن کریم و روایات معصومین (ع) چه روشهای اخلاقی برای رساندن انسان به کمال وجود دارد؟

(۱) روش صبر و شکیبایی

در فرهنگ اخلاقی، صبر عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می کنند و بازداشتن از آنچه عقل و شرع نهی می کنند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق)

به دلیل اهمیت بالای صفت صبر خداوند بیش از صد بار صبر و مشتقات آن را در قرآن آورده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش)



صبر در برابر مشکلات، ناملایمات، مصیبت ها و ... یکی از راه های رسیدن به قرب الاهی است که در قرآن و روایات بر آن تأکید فراوان شده است؛ از این جهت عرفاً دارندگان این صفت، یعنی صابران را محبوبان خداوند دانسته اند. (عربی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۷) طبق بعضی از روایات در انتهای صبر است که گشایش در کارها صورت می گیرد (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۰)، امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارشان می فرماید: ... به راستی که هر کس (در برابر ناملایمات) صبر پیشه کند، با بردباری و شکیبایی خود قدر و منزلت روزه دار شب زنده دار، و شهیدی که در رکاب رسول خدا (ص) شمشیر زده است را به دست می آورد. (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۱۹۸)

#### ۲) روش میهمان نوازی

میهمان نوازی، یکی از خصلتهای خوب انسانی است که در مکتب اسلام به آن سفارش زیادی شده است. پیشوایان دینی ما نیز با برخورد انسانی و عاطفی با میهمانان خود، به ما می آموزند که باید میهمانان را گرمی داشت. در روایتی آمده است: برای حضرت رضا (ع) میهمانی آمد و نزد او نشست و با ایشان قسمتی از شب را مشغول مذاکره و گفتگو بود. ناگهان، چراغ عیب پیدا کرد. مرد میهمان دستش را دراز کرد تا چراغ را اصلاح کند. حضرت مانع شد. و خود به تنهایی چراغ را اصلاح کردند و فرمودند: ما میهمان را به کار و انمی داریم. (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۶، ص ۲۸۳)

#### ۳) روش نیکی به پدر و مادر و سپاسگذاری از آنها

قرآن بارها در کنار دعوت به توحید و نهی از شرک، به «احسان به والدین» دستور داده و در جایی هم به وضوح و صراحت، سپاسگزاری در آستان خدا و سپاس نسبت به پدر و مادر را کنار هم مطرح کرده است: «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» (سوره لقمان، آیه ۱۴) سلوک قرآنی، تنها در پیمودن راههای پرپیچ و خم عرفانی و تهذیب نفسهای پارسایانه و تقوای شگرف نیست. ادب و احترام نسبت به پدر و مادر هم، که امری پیش پا افتاده و خانوادگی و فامیلی است، از گردونه «اخلاق قرآنی» بیرون نیست.

در روایات قدردانی و سپاس از والدین پیش از سپاس از خداوند سفارش شده است. امام رضا (ع) در خصوص تشکر از والدین می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ... أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالدِّيَةَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ». خداوند عز و جل ... به سپاسگزاری از خود و پدر و مادر فرمان داده است. پس هر که از پدر و مادرش سپاسگزاری نکند، از خداوند سپاسگزاری نکرده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۶۱۴)

#### ۴) روش خوش رفتاری با همسایگان

در دین مقدس اسلام چنانکه صراحتاً از آیات قرآن کریم و احادیث و روایات ائمه معصومین (ع) برمی آید، همسایه، جایگاه ویژه و خاص را دارد. خداوند متعال در آیه ای می فرماید: «واعبدوا الله و لا تشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا و بذی القربی و الیتیمی و المساکین و العجاری ذی القربی و العجاری الجنب...» و خدای یکتا را بپرستید و چیزی را با او شریک نکنید و به والدین و اقوام و یتیمان و بی چیزان و همسایگان اطراف و صاحب خانه ی کناری و... احسان کنید... (سوره نساء، آیه ۳۶)

مولای متقیان علی (ع) نیز در آخرین لحظات عمر مبارکش باز فرزندان را به رعایت حقوق همسایگان سفارش می فرماید:

« الله الله فی جیرانکم فَإِنَّهُ وَصِيٌّ نَبِيِّكُمْ » خدا را، خدا را، در مورد همسایگان (در نظر داشته باشید و به آنها نیکی کنید) که این سفارش پیامبران است. (مجلسی، ۱۳۹۶ق، ج ۷۴، ص ۱۵۳)

#### ۵) روش تواضع و فروتنی

یکی از روشهای رسیدن به کمال، تواضع در برابر خداوند و بندگان اوست. تواضع و انقیاد در برابر احکام و دستورات الهی و نیز فروتنی در برابر بندگان حق از طهارت نفس و تزکیه روح انسان حکایت دارد.

از دیدگاه قرآن، انسان ها همه از یک پدر و مادر، پدید آمده اند و پدر همه نیز از خاک آفریده شده و از نظر آفرینش، کسی بر دیگری برتری ندارد و تنها ملاک ارزشمندی انسان تقواست. همچنین پایان زندگی همه موجودات و از جمله انسان، به مرگ و متلاشی شدن بدن عنصری آنان ختم می شود. بر این اساس، انسان با چنین آغاز وانجامی، شایسته نیست به دیگران، نخوت بورزد و خود را بزرگ و آنان را کوچک شمارد. امام متقیان سلام الله علیه در این باره می فرماید: (مَا لِإِنِ آدَمَ وَالْفَخْرَ، أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ لَا يَرْزُقُ نَفْسَهُ وَلَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ) (آمدی، بی تا، ج ۶، ص ۹۷)

آدمی زاده را چه به فخر فروشی؟ آغاز او نطفه و انجامش مردار گندیده است، نه می تواند خود را سیر کند و نه توان رفع مرگ خود را دارد.

حضرت رضا (ع) در خصوص تواضع می فرماید: تواضع و فروتنی مراتبی دارد، مرتبه ای از آن این است که انسان موقعیت خود را بشناسد و بیش از آنچه شایستگی آن را دارد از کسی متوقع نباشد و با مردم به گونه ای معاشرت و رفتار نماید که دوست دارد با او آنگونه رفتار شود و اگر کسی به او بدی نمود در مقابل خوبی کند، خشم خود را فرو خورد و گذشت پیشه کند و اهل احسان و نیکی باشد (مجلسی، ۱۳۹۶ ق، ج ۷۸، ص ۳۵۵)

۶) روش اخوت و برادری

یکی دیگر از روشهای اخلاقی که انسان را به سوی کمال رهنمون می کند اخوت و برادری در میان مردم بخصوص مؤمنان است. قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید واز خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید. (سوره حجرات، آیه ۱۰)

۷) روش اصلاح میان دو نفر

از دیگر روشهای اخلاقی که انسان را در رساندن به سوی کمال یاری می کند و ارزش آن از نماز و روزه بالاتر است، اصلاح میان دو نفر است. امام علی (ع) در این خصوص می فرماید: «صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ»؛ اصلاح میان دو نفر در نزد خدا از یک سال نماز و روزه برتر است. (رضی، ۱۳۷۸، ص ۹۶۸)

۸) روش پرهیز از غرور، تکبر و خودپسندی

امام رضا (ع) می فرماید: عجب درجاتی دارد؛ یکی این که کردار بد بنده در نظرش خوش جلوه کند و آن را خوب بداند و پندارد کار خوبی کرده. یکی این که بنده ای به خدا ایمان آورد و منت بر خدا نهد با این که خدا را به او منت است در این باره (حرانی، ۱۳۷۶ ه. ق، ص ۴۶۸)

عُجْب و خودپسندی باعث می شود که انسان عمل شایسته خود را فزون از حد، بزرگ و شکوهمند پنداشته و دستخوش بهجت و سرور نسبت به آن گردد، و خویشتن را از هر گونه خرده و کمبود و تقصیر مُبرّی تلقی کند. اگر این ابتهاج، با تواضع در برابر خدا توأم باشد و از این که به عمل صالحی توفیق یافت بر خدا منت ننهد؛ بلکه در حال امتنان از خدا باشد می توان چنان عملی را با دیده قبول نگریست و در انتظار پاداشی در برابر آن به سر برد. (حجتی، ۱۳۸۵)

۹) روش خودداری از آزار خویشاوندان

امام رضا (ع) پرهیز از آزار دیگران بویژه خویشاوندان را سفارش کرده اند. حضرت می فرماید: پیوند خویشاوندی را برقرار کنید گرچه با جرعه آبی باشد، و بهترین پیوند خویشاوندی، خودداری از آزار خویشاوندان است (حرانی، ۱۳۷۶ ه. ق، ص ۴۶۹)

۱۰) روش حسن خلق

اسلام نسبت به حسن خلق بسیار تأکید کرده نموده و از کسی که دارای این صفت باشد تمجید فراوان کرده است.

اخلاق خوب به قدری اهمیت دارد که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «أَوَّلُ مَا يُوضَعُ فِي مِيزَانِ الْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حُسْنُ خُلُقِهِ.» (مجلسی، ۱۳۹۶ ق، ج ۷۱، ص ۳۸۵)

اولین چیزی که روز قیامت در میزان سنجش بنده خدا قرار می گیرد، اخلاق نیک اوست.

« مَا مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ خُلُقٍ حَسَنٍ ». در ترازوی قیمت چیزی سنگین تر از اخلاق خوب نیست. (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ص ۵۲۵)

علما و دانشمندانی که پیرامون علل گسترش سریع اسلام توسط پیامبر بزرگوار (ص) تحقیق کرده اند، به مسائلی از قبیل: اعجاز قرآن، مدیریت پیامبر (ص)، ایثار مسلمین و چیزهایی از این قبیل اشاره نمودند که یکی از مهمترین آنها مسأله اخلاق نیکوی رسول اکرم (ص) است. (شمس الدین، ۱۹۷۸، ص ۲۵)

امام صادق (ع) فرمودند: «أَنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ يُذِيبُ الْخَطِيئَةَ كَمَا تُذِيبُ الشَّمْسُ الْجَلِيدَ.» (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۷۱، ص ۳۷۵)

همانگونه که خورشید، برف را آب می کند، اخلاق خوب هم گناهان را آب می نماید.

بنابراین مؤمن باید در برخورد های اجتماعی، اصل را بر رأفت و حسن خلق بگذارد، با همه مهربان و صمیمی باشد، با روی گشاده و در کمال محبت و صفا با دیگران برخورد کند، زیرا ریشه همه، با بسیاری از صفات حسنه، همین صفت نیکوست و داشتن اخلاق خوب، بهترین وسیله برای نیل به کمالات عالی انسانی است. (شمس الدین، ۱۹۷۸، ص ۲۷)

(۱۱) روش نیت پاک

پایه و اساس عمل اخلاقی دینی، نیت و انگیزه است؛ بدین معنا که هر چه نیت پاک تر و خلوص معنوی آن بیش تر باشد، ارزش آن عمل زیادتر خواهد بود؛ از این رو علی (ع) می فرماید: «النِّيَّةُ أَسَاسُ الْعَمَلِ» (آمدی، بی تا، ص ۳۹۸)؛ نیت، پایه و اصل عمل است. لذا اگر کاری به منظور جلب توجه و یا فریب دادن دیگران صورت گیرد، از نظر اسلام، ارزش اخلاقی ندارد؛ چون از انگیزه ی پاک الهی نشأت نگرفته و مبتنی بر اصول و مبانی اخلاقی نیست.

(۱۲) روش صلح رحم

حضرت امام رضا (ع) به جا آوردن دیدار از خویشان و نزدیکان را سفارش کرده، می فرماید: «يَكُونُ الرَّجُلُ يَصِلُ رَحِمَهُ فَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ عَمْرِهِ ثَلَاثُ سِنِينَ فَيَصِيرُهَا اللَّهُ ثَلَاثِينَ سَنَةً ...» (کلینی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۵۰)

چه بسا مردی که سه سال از عمرش بیش نمانده، ولی صلح رحم به جا آورد و خدا به خاطر این کار، عمرش را به سی سال افزایش دهد و خدا آنچه را می خواهد انجام می دهد.

(۱۳) روش تهذیب و تزکیه نفس

عامل دیگری که انسان را به زندگی سعادت مند رهنمون می شود تزکیه نفس است.

در اهمیت تهذیب نفس از رذائل اخلاقی همین بس که آن را «جهاد اکبر» نامیده اند. حدیث معروفی که پیامبر اکرم (ص) به مجاهدین اصحابش پس از مراجعت از یکی از جنگها فرمود: «مَرَجِباً بِقَوْمٍ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ.» (آفرین بر جمعیتی که جهاد کوچک را انجام دادند و جهاد اکبر بر آنها باقی مانده است. عرض کردند: جهاد اکبر کدام است؟ فرمودند: جهاد و مبارزه با هوسهای نفسانی). (حر عاملی، ۱۹۹۱ م، ج ۱۱، ص ۱۲۳)

بدین جهت بعضی از بزرگان اصحاب حدیث در کتابهای خود بحثهای مربوط به تهذیب اخلاق را در کتاب جهاد عنوان کرده و آن را جزء جهاد دانسته اند.

و در بعضی از احادیث در ذیل این روایت این جمله نیز از آن حضرت نقل شده: (برترین جهاد، جهاد با هوسهای نفسانی است که در

درون سینه آدمی است). (حر عاملی، ۱۹۹۱ م، ج ۱۱، ص ۱۲۳)

#### ۱۴) روش راز نگهداری

امام رضا (ع) در خصوص حفظ اسرار دیگران و راز نگهداری در روایات مختلفی می فرمایند: بر شما باد راز پوشی در کارهاتان در امور دین و دنیا. همچنین می فرمایند: افشای کفر است. در روایت دیگری از آن حضرت است که: کسی که افشای اسرار می کند با قاتل شریک است. و نیز روایت کرده اند که هر چه از دشمن پنهان می داری، دوست تو هم بر آن آگاهی نیابد (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۷۸، ص ۳۴۷)

#### ۱۵) روش وفای به عهد

در روایات بسیاری از معصومین (ع) پیمان شکن عملی زشت و مذموم معرفی شده است و مردم را به پرهیز از آن و وفای به عهد فرا خوانده اند. امام رضا (ع) می فرمایند: آدمی نمی تواند از گردابهای گرفتاری با پیمان شکنی رهایی یابد، و از چنگال عقوبت رهایی ندارد کسی که با حيله به ستمگری می پردازد (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۷۸، ص ۳۴۹)

در سوره مؤمنون از جمله هفت صفتی که برای مؤمنان رستگار شمرده است وفای به عهد و پیمان است. «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (سوره مؤمنون، آیه ۸) آنها که رعایت امانت و عهد می کنند. افراد یک جامعه اگر پایبند به عهد و پیمان باشند و امانتداری از ویژگی های آنها محسوب شود خیلی از مشکلات امروز حل می گردد از جمله یکی از آن امانات همین مسئولیتهایی است که به افراد واگذار می شود اگر همگان به این نکته توجه داشته باشند که مسئولیتی که به آنها سپرده شده است امانتی بیش نیست و عهدی است که بین خود و اداره یا شرکت و یا نظام خود منعقد کرده است حساس تر و دقیق تر خواهد شد تا آن مسئولیت را هم در حضور جامعه و مردم و هم در محضر خداوند باری تعالی بهتر و مفیدتر به انجام برساند و لغزش به خود راه نداده با ایمانی راسخ به ادای مسئولیت و تکلیف خویش در قبال جامعه و مردم بپردازد.

#### ۱۶) روش امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم یکی از راههای رسیدن به کمال فرد و جامعه را امر به معروف و نهی از منکر می داند. امر به معروف که عبارت است از طلب و درخواست انجام امور و کارهای خیر، بیش از موعظه و نصیحت و حتی وصیت، در قرآن مورد تاءکید قرار گرفته و جزء واجبات است و همچنین نهی از منکر یعنی جلوگیری از کارهای زشت و اعمال ناروا که از فرایض و واجبات اسلام شمرده شده است. احادیث معتبر زیادی بر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی دلالت دارد از جمله روایتی از امام باقر (ع) که فرمودند: «امر به معروف و نهی از منکر راه انبیاء و طریق صلحاء است. فریضه بزرگی است که به آن است قیام تمام فرائض، راهها به آن ایمن می شود و کسبها به آن حلال می گردد و مظالم به سبب آن رد می شود و زمین به آن آباد می گردد و به آن انصاف از دشمنان ظهور می یابد و استقامت امور به آن حاصل آید.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۴۲) همچنین امام علی (ع) می فرماید: تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور. این دو وظیفه بزرگ در حقیقت ضامن اجرای بقیه وظایف فردی و اجتماعی است و در حکم روح و جان آنها می باشد و با تعطیل آنها تمام احکام و اصول اخلاقی، ارزش خود را از دست خواهد داد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۴۲)

#### ۱۷) روش یاری کردن به مؤمن

امام رضا (ع) می فرمایند: هر کس اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید، خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف سازد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۶۸). همچنین آن حضرت فرمودند: بعد از انجام واجبات، کاری بهتر از ایجاد خوشحالی برای مؤمن، نزد خداوند بزرگ نیست. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸، ص ۳۴۷)

#### ۱۸) روش توبه

بسیاری از علمای اخلاق نخستین گام برای تهذیب اخلاق و سیر الی الله را «توبه» شمرده‌اند، توبه‌ای که صفحه قلب را از آلودگیها پاک کند و تیرگیها را مبدل به روشنایی سازد و پشت انسان را از بار سنگین گناه سبک کند، تا براحتی بتواند طریق به سوی خدا را بییماید. مرحوم «فیض کاشانی» در آغاز جلد هفتم «المحججه‌البیضاء» که در واقع آغاز گر بحثهای اخلاقی است چنین می‌گوید: «توبه از گناه و بازگشت به سوی ستار العیوب و علام الغیوب آغاز راه سالکین و سرمایه پیروزمندان و نخستین گام مریدان و کلید علاقه‌مندان و مطلع برگزیدگان و برگزیده مقربان است!»

توبه اساس دین را تشکیل می‌دهد، چرا که دین و مذهب انسان را به جدا شدن از بدیها و بازگشت به خیرات دعوت می‌کند؛ و با توجه به این حقیقت، لازم است توبه در صدر مباحث مربوط به اعمال و صفات نجاتبخش قرار گیرد. «فیض کاشانی، ۱۹۸۳م، ج ۷، ص ۶ و ۷) (۱۹) روش سکوت و خاموشی

خاموشی و سکوت گاهی تنها راه نجات بشر است. چرا که گاهی سخن گفتن عین گمراهی و رنج است. مومن، انسانی دارای فهم و فقه است و می‌داند چگونه در زندگی عمل کند که خود و دیگران را به رنج و زحمت نیفکند. امام رضا(ع) در این باره می‌فرماید: ان من علامات الفقه: الحلم و العلم، و الصمت باب من ابواب الحکمه ان الصمت یکسب المحبه، انه دلیل علی کل خیر؛ از نشانه‌های فقه و فهم دین، حلم و علم است و خاموشی دری از درهای حکمت است. خاموشی و سکوت، دوستی آور و راهنمای هر کار خیری است. (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۴۴۵). گاه نیاز است که نسبت به چیزی سکوت کرد و هر رازی را بر زبان نراند و با سکوت و تفکر می‌توان بهترین کار را انجام داد. چنین سکوتی گاه لازم و بلکه واجب است، چرا که نجات دین و دنیا بر آن است. امام رضا(ع) در این باره می‌فرماید: یاتی علی الناس زمان تکنون العافیه فیه عشره اجزاء: تسعه منها فی اعتزال الناس و واحد فی الصمت؛ زمانی بر مردم خواهد آمد که در آن عافیت ده جزء است که نه جزء آن در کناره‌گیری از مردم و یک جزء آن در خاموشی است. (حرانی، ۱۳۷۶ه.ق، ص ۴۴۶).

(۲۰) روش موعظه، نصیحت و خیر خواهی

یکی از روش‌های مؤثر برای رسیدن به کمال که قرآن بدان اشاره نموده است؛ روش نصیحت و خیر خواهی است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مردم را به نصیحت کردن یکدیگر تشویق می‌نماید. «ان اعظم الناس منزله عندالله یوم القیمه امشاهم فی ارضه بالنصیحه لخلقه» (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۲۵۸) بزرگ‌ترین مردم از لحاظ مرتبه نزد خدا در روز قیامت کسی است که برای نصیحت خلق در زمین بیشتر سعی و تلاش نماید.

امام صادق(ع) می‌فرماید: یجب للمؤمن علی المؤمن النصیحه له فی المشهد و المغیب (کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۲۹۶-۲۹۷) بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب، خیرخواه مؤمن باشد و نیز می‌فرماید: علیکم بالنصح لله فی خلقه فلن تلقاه بعمل افضل منه (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۷۴، ص ۳۳۸) بر شما باد به نصیحت کردن مخلوق برای رضای الهی که خدا را به عمل بهتر از آن ملاقات نکنی.

(۲۱) روش وصیت به خیر و حق

قرآن کریم، یکی از روش‌های مؤثر و مفید در رسیدن به کمال را مسأله وصیت دانسته است. وصیت به عنوان یک روش تربیتی منحصر در وقت مرگ و آن هم برای تقسیم اموال و تعیین تکالیف به کار نمی‌رود وصیت که به معنای سفارش و خواستن بعضی از امور است به صورت گسترده در اسلام برای بیان وظایف فردی و اجتماعی و رعایت مسایل اخلاقی به کار رفته است.

قرآن از حضرت عیسی(ع) نقل می‌کند: و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیا(سوره مریم، آیه ۳۱) خداوند به من وصیت و سفارش کرد که تا وقتی زنده هستم نماز بخوانم و زکات بپردازم. خداوند به انسان سفارش می‌کند که ووصینا الانسان بوالدیه حسنا(سوره مریم، آیه ۳۱) با پدر و مادر خود به خوبی رفتار کند.

قرآن کریم می فرماید: انسان ها در قیامت در خسران و زیان هستند مگر کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند و مردم را به حق و حقیقت و صبر و استقامت و فضایل اخلاقی و مکارم نفسانی توصیه و سفارش کنند: «ان الانسان لڤى خسر الا الذین امنوا و عملوا الصالحات و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر» (سوره والعصر، آیه ۲ و ۳) یعنی همه انسان ها در زیان هستند مگر اهل ایمان و عمل صالح و کسانی که به حق و صبر سفارش می کنند.

۲۲) روش یاد مرگ و قیامت

قرآن کریم علت تباهی و سقوط افراد گنهکار را فراموشی قیامت و روز حساب می داند. انّ الذین یضلون فی سبیل اللّٰه لهم عذاب شدید بما نسوا یوم الحساب (سوره ص، آیه ۲۶) کسانی که از راه خداوند گمراه شوند عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند.

یاد مرگ و قیامت در تربیت و تهذیب روح انسان تاءثیر فراوان دارد و در روایات بدان اشاره شده است؛ امام صادق (ع) می فرماید: «ذکر الموت یمیت الشهوات فی النفس و یقلع منابت الغفلة و یقوی القلب بمواعد اللّٰه و یرق الطبع و یکسر اعلام الهوی و یطفئ نار الحرص و یحقرّ الدنیا» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۶، ص ۱۳۲-۱۳۳) یاد مرگ شهوتها در نفس را می میراند و غفلت انسان را از بین می برد و باعث قوت قلب انسان به وعده های الهی می شود، طبیعت انسان را نرم می کند و هوس را می شکند و آتش حرص را خاموش و دنیا را در نظر انسان کوچک و حقیر می کند.

۲۳) روش مراقبه و محاسبه

یکی از روش های اخلاقی مؤثر در کمال انسان مراقبه و محاسبه است که علمای اخلاق و ارباب معرفت درباره این موضوع تاءکید و توصیه فراوان نموده اند.

مرحوم نراقی در جامع السعادات می فرماید: محاسبه عبارت است از این که انسان در هر شبانه روز یک وقتی را معین کند که به حساب نفس خویش برسد که چه اعمالی را انجام داده و طاعت ها و گناهانش را موازنه و سنجش نماید و نفس خویش را سرزنش کند اگر در طاعت الهی تقصیر نموده یا مرتکب معصیت شده، و شکر نماید خداوند را اگر واجبات را انجام داده و معصیتی از او صادر نشده و شکر زیادتری نماید اگر موفق به بعضی اعمال خیر و مستحبی شده است و مراقبه آن است که همیشه ملاحظه کند ظاهر و باطن خود را تا این که اقدام به معاصی نکند و واجبات از او ترک نشود تا این که در موقع محاسبه ملامت و ندامت متوجه او نشود. (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۶۴۰)

۲۴) روش صداقت و راستی

«راستی» در گفتار و کردار، در نیت و عمل، در دوستی و رفاقت، در گواهی و مشارکت، در قول و قرار و عهد و پیمان، در امتحان و کار، در همسایگی و روابط و ... یک ارزش مهم اخلاقی به شمار می رود. در مقابل، دروغ و نیرنگ و شیادی، گندم نمایی و جو فروشی، وعده دادن و خلف وعده کردن، از مظاهر «عدم صداقت» است که بنیان جامعه را بر هم می زند.

در قرآن کریم درباره اهمیت راست گویی تعبیرات کم نظیری آمده است. خداوند می فرماید راستی و راست گویی مؤمنان سبب یاری آنان در دنیا و نجاتشان در قیامت می شود و پاداش آن را بهشت و رضایت خود از راست گویان می داند. (سوره مائده، آیه ۱۹) در روایات نیز به این فضیلت اخلاقی اهمیت فراوانی داده شده است. از روایات استفاده می شود که همه فضیلت های انسانی از صداقت و راستی سرچشمه می گیرد (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۶۸، ص ۹) و کلید همه خوبی ها راست گویی و کلید همه بدی ها دروغ و دروغ گویی است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۴۳۹) امام صادق (ع) راست گویی را نوری می داند که جهان اطراف خود را روشن می کند؛ مانند آفتابی که هر چه در معرض تابش آن قرار گیرد، روشن می شود، بدون آن که نقصی در آن وارد شود. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۰)

## ۲۵) روش خوش بینی

نحوه فکر و شناخت، در نحوه عمل و رفتار انسان مؤثر است. کسی که گمان و حدس را پایه قضاوتها و عملهای خود قرار دهد، بسیار خطا می کند و به اشتباه می افتد.

قرآن به مؤمنان چنین دستور می دهد: «اجْتَبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (سوره حجرات، آیه ۱۲) «از بسیاری از گمانها پرهیزید، به یقین برخی از گمانها گناه است.»

توصیه دینی این است که نسبت به کار دیگران، تا آنجا که می توان باید خوشبین بود و کارها را «حمل به صحت» کرد و برای افعال دیگران «محمل صحیح» یافت. اگر بدبینی در جان انسان نفوذ کند، به راحتی دروغ می گوید و تهمت و افترا می زند و غیبت می کند و به علاوه، «آرامش روان» را هم از انسان سلب می کند.

## ۲۶) روش اصلاح خود

امام علی (ع) می فرماید: «مَنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ فِي إِصْلَاحِهَا سَعِدَ، مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ فِي لَذَائِهَا شَقِيَ وَبَعُدَ» هر کس برای اصلاح خود، خویشتن را به زحمت بیندازد، خوشبخت می شود هر کس خود را در لذتها رها کند، بدبخت می گردد و بی بهره می ماند. (آمدی، بی تا، ح ۸۲۴۶ و ح ۸۲۴۷)

## ۲۷) روش قناعت

در ادبیات عرب، قناعت به مفهوم راضی شدن به مقدار اندکی از بخشش (ابن اثیر، ۱۳۶۴ ش، ج ۴، ص ۱۱۴) و رضایت دادن به سهم خویش، به کار می رود. (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۸، ص ۲۹۸)

قناعت خود آثار فراوان و سودمندی را به دنبال دارد، و از سوی دیگر موجب پیشگیری از بسیاری رذایل اخلاقی و بلکه جرایم حقوقی می گردد. بر همین اساس در نظام اخلاقی اسلام بسیار مورد تشویق و ترغیب واقع شده است.

امام رضا (ع) می فرماید: قناعت، باعث خویشتنداری و ارجمندی و آسوده شدن از زحمت فزون خواهی و بندگی در برابر دنیاپرستان است. راه قناعت را جز دو کس، نییاید: یا عبادت پیشه ای که خواهان مزد آخرت است، یا بزرگواری که از مردمان فرومایه دوری می کند. (مجلسی، ۱۳۹۶ ق، ج ۷۸، ص ۳۴۹، ح ۶)

## ۲۸) روش سلام و احوالپرسی

نخستین ادب معاشرت اجتماعی، درود فرستادن بر یکدیگر و جویا شدن حال برادر مؤمن است. علاوه بر این، سلام از نام های مقدس خدا و شعار اسلام است. قرآن مجید به پیامبر اسلام (ص) می فرماید:

«وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» (سوره انعام، آیه ۵۴) هر گاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزدت آیند (به آنان) بگو: (سلام بر شما). این دستور اجتماعی به اندازه ای پر اهمیت است که رهبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص) می فرماید: «مَنْ بَدَأَ بِالْكَلامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِيبُوهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۶، ص ۳) هر کس پیش از سلام، سخن گفت، پاسخش را ندهید.

## ۲۹) روش عفت و پاکدامنی

پاکداشت جسم و روح از هر گونه آلودگی جنسی، مقام ارجمندی است که عالی ترین درجه آن را اولیای خدا دارا هستند و دیگران نیز هر چه از پلیدی های جنسی فاصله بگیرند، به خدا نزدیکتر خواهند شد. ازدواج، تنها راه اشباع غرایز جنسی است و آفریننده هستی هیچ راه دیگری را مجاز نشمرده است. بنابراین، مرد و زن باید از این راه اصولی و الهی به اشباع غریزه خویش بپردازند و هر گز گوهر عفت خویش را با سنگ خیانت نشکنند و از این نظر هیچ تفاوتی میان زن و مرد نیست. آراستگی هر یک از

زن و مرد به ملکه عفت، موجب پاکی، صداقت و سلامت زندگی می شود و ارزش های دیگر را نیز در پی خواهد داشت. امیر مؤمنان (ع) می فرماید: (الْعِفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ) (آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰۶)؛ عفت ریشه همه نیکی هاست. گر چه زن، ناموس مرد محسوب می شود که باید به طور کلی از تعرض نامحرم درامان بماند ولی این مصونیت تا حدود زیادی به عفت مرد بستگی دارد و اگر مردی جانب عفت را مراعات نکند و به ناموس دیگران خیانت ورزد قطعاً گرفتار عکس العمل دیگران و مقابله به مثل خواهد شد. امام صادق (ع) می فرماید: (عَفْوًا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تَعْفَى نِسَاؤُكُمْ) (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۷۱، ص ۲۷۰) از زنان مردم چشم پوشید تا زنانتان عقیف بمانند.

۳۰) روش عفو و گذشت

تفاوت اندیشه ها و اختلاف سلیقه ها کم و بیش در زندگی جمعی اصطکاک هایی را سبب می شود که اگر بموقع حل و فصل نشود، تشنج آفرین و بحران زا خواهد شد. بهترین حربه کارساز برای پیشگیری از بروز اختلاف و خنثی کردن اختلافات جزئی، چشم پوشی و گذشت از خطاهای دیگران بویژه اعضای خانواده است اگر زن و شوهر، بویژه در ابتدای راه زندگی مشترک، خطاهای یکدیگر را بزرگ نکنند و نسبت به یکدیگر اغماض کنند و دوستانه و دور از بدبینی به رفع اشتباهات خانوادگی پردازند به تفاهم و همفکری خواهند رسید و چرخ زندگی آنان با تشریک مساعی و غمخواری همدیگر شتاب خواهد گرفت و موانع و ناگواری ها را پشت سر خواهد گذاشت.

رسول گرامی اسلام (ص) فرمود: (عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَعَافُوا يُعِزَّكُمْ اللَّهُ) (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱، ص ۴۰۱) بر شما باد به عفو کردن، زیرا عفو و گذشت جز بر عزت بنده نمی افزاید، پس گذشت کنید تا خدا شما را عزیز دارد. همچنین عفو و گذشت را سبب تنش زدایی دانسته می فرماید: (تَعَاوَا تَسْقُطِ الضَّغَائِنُ بَيْنَكُمْ) (متقی الهندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۳۷۳) همدیگر را عفو کنید تا کینه ها از میانتان رخت بر بندد.

۳۱) روش راضی بودن به قضا و قدر

امام رضا (ع) در این خصوص می فرماید: «معنا القدره تقدیر الشيء من طوله و عرضه..» معنای قدر، اندازه گیری چیزی از طول و عرض است و معنای قضا، تأیید حکم بعد از صدور حکم است. (خالد برقی، بی تا، ص ۲۴۴)

و در جای دیگری می فرماید: «لا یكون شیءٌ فی السماواتِ و لا فی الارضِ الا بقدر الله و مشیته» چیزی در آسمان و زمین، جز به تقدیر و خواست خداوند نمی باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ. ق، ج ۵، ص ۸۸)

۳۲) روش تفاوت نگذاشتن بخاطر فقر

انسان نباید فردی را به سبب فقر از خود دور نماید و به خودش با فقیر و ثروتمند متمایز باشد. امام رضا (ع) می فرماید: کسی که فقیر مسلمانی را ملاقات نماید و بر خلاف سلام کردنش بر اغنیا بر او سلام کند، در روز قیامت در حالی خدا را ملاقات نماید که بر او خشمگین باشد. (صدوق، ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۵۲)

۳۳) روش صدقه دادن

امام رضا (ع) صدقه دادن به نیازمندان بخصوص به صورت مخفی را سفارش کرده اند. حضرت می فرماید: قال الامام الرضا (ع): الْمُسْتَبْرُ بِالْحَسَنَةِ يَغْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً، وَالْمُدْبِعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ، وَالْمُسْتَبْرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ. (حرعاملی، ۱۳۹۷ ق، ج ۱۶، ص ۶۳، ح ۲۰۹۹۰) انجام دادن حسنه و کار نیک به صورت مخفی، معادل هفتاد حسنه است؛ و آشکار ساختن گناه و خطا موجب خوار و پستی می گردد و پوشاندن و آشکار نکردن خطا و گناه موجب آموزش آن خواهد بود.



امام رضا (ع) صدقه دادن از کودکی را مورد توجه قرار داده در این خصوص می فرماید: «مُرِ الصَّبِيَّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقَبْضَةِ وَالشَّيْءِ وَإِنْ قَلَّ، فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يُرَادُ بِهِ اللَّهُ وَإِنْ قَلَّ بَعْدَ أَنْ تَصَدَّقَ النَّيُّ فِيهِ عَظِيمٌ» به کودک دستور بده که با دست خودش صدقه بدهد گر چه به اندازه تکه نانی یا یک مشت از چیزی باشد؛ زیرا هر چیزی که در راه خدا داده شود اگر با نیت پاک صورت گیرد، هر چند کم باشد، بسیار زیاد است. (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۴، ص ۱۶)

۳۴) روش عیب پوشی

از جمله وجه تمایز نفاق و ایمان، عیب پوشی است. در روایات عیب پوشی را از صفات مؤمن دانسته (مجلسی، ۱۳۶۴، ش، ج ۱۵، ص ۲۹۳) و پرده دری و عیبجویی را صفت اهل نفاق (مجلسی، ۱۴۰۳، ه.ق، ج ۲، ص ۴۲۳) برشمرده اند.

در فضیلت و شرافت عیب پوشی و پرهیز از عیبجویی، روایات بسیاری ذکر شده است.

امام رضا (ع) در پاسخ مردی که از برادرش شکوه می کرد فرمود: «... پرده پوشی کن و بر عیوبش روکش افکن..» (مجلسی، ۱۳۶۴، ش، ج ۱، ص ۵۸)

۳۵) روش نزدیک شدن به خوبان

امام رضا (ع) افراد پاک و شریف را به خود نزدیک کرده بودند و آنان را مورد توجه و محبت در خور قرار می دادند و به شیعیان و علویان علاقه و محبتی خاص داشت و در دیدارها با آنان دست می دادند و هنگام خارج شدن مهمان تلاش می کردند آنان را تا جلوی درب منزل بدرقه نمایند.

در معاشرت ها، دیدارها، در مسجد و جلسه ی درس اگر به افراد با تقوا و مومن رو به رو می شد او را به خود نزدیک می کرد و همه نوع محبت را نسبت به وی روا می داشت. (مجلسی، ۱۳۹۶، ق، ج ۴۹، ص ۲۲۱)

از این رو بسیاری از پاکان در سایه ی نزدیکی به امام احساس ارج و شادمانی می کردند ولی آن حضرت در برابر گناهکاران سخت گیر بود. به گونه ای که درب خانه ی خود را به روی آنان می بست و سعی می کرد از این راه او را تنبیه کند که نمونه ی آشکار این گونه برخورد با زید برادرش بود. چرا که زید در راه امام حرکت نمی کرد. از این جهت نقل شده که در یک مورد بدو فرمود:

تو آن گاه برادر من هستی که مطیع خدا باشی و اطاعت او را نمایی. اما هنگامی که در معصیت و گناه زندگی کنی، بین من و تو برادری نیست. (مجلسی، ۱۳۹۶، ق، ج ۴۹، ص ۲۲۱)

۳۶) روش پرهیز از غیبت کردن

باید از غیبت کردن نیز که در قرآن کریم این گونه از آن تعبیر کرده که انگار فرد گوشت برادر مرده ی خود را می خورد دوری کرد زیرا خداوند این عمل به این میزان زشت و پلید خوانده است و حتی اگر دیدید فردی یا جمعی مشغول غیبت هستند از آن ها دوری نمایند تا وارد بحث جدیدی شوند، چون گوش دادن به آن نیز مانند خود عمل به این میزان ناپسند است. (حرانی، ۱۳۷۶، ه.ق، ص ۴۲۴)

۳۷) روش پرهیز از شوخی زیاد

به اعتقاد ائمه معصومین (ع) شوخی زیاد باعث از بین رفتن شخصیت فرد ودلیر شدن دیگران بر وی می گردد به طوری که امام رضا (ع) در این باره می فرماید: «کسی که با مردم شوخی و مزاح کند کوچکش می شمارند و برای شوخی کردنش مذمت می شود.» (حرانی، ۱۳۷۶، ه.ق، ص ۴۲۴) پس باید توجه داشت که نباید هرگز در سخنان و مخصوصا شوخی های خود از حرف ها و کلمات ناپسند و دشنام استفاده نماییم.

جدول ذیل ارتباط هر یک از اهداف، اصول و روش ها را مشخص می کند.

اهداف	اصول	روشها
رضایت الهی	زهد	سکوت و خاموشی پرهیز از غرور، تکبر و خودپسندی
	احسان	میهمان نوازی خودداری از آزار خویشاوندان موعظه، نصیحت و خیر خواهی
	کرامت	خوش رفتاری با همسایگان نیکی به پدر و مادر و سپاسگذاری از آنها تواضع و فروتنی نزدیک شدن به خوبان سلام و احوالپرسی
	اعتدال	قناعت پرهیز از شوخی زیاد اصلاح میان دو نفر
	محبت	صله رحم حسن خلق
	ایثار	اخوت و برادری وفای به عهد وصیت به خیر و حق صدقه دادن عفو و گذشت یاری کردن به مؤمن
قرب الهی	تقوی	پرهیز از غیبت کردن عفت و پاکدامنی اصلاح خود توبه راز نگهداری
	اخلاص	تهذیب و تزکیه نفس نیت پاک مراقبه و محاسبه صداقت و راستی تفاوت نگذاشتن بخاطر فقر
	ایمان	عیب پوشی امر به معروف و نهی از منکر
	توکل	راضی بودن به قضا و قدر خوش بینی
	یقین	یاد مرگ و قیامت صبر و شکیبایی

## نتیجه گیری

- ۱- انسان موجودی است که با یک استعداد تنها و بسیط خلق نشده است تا تکامل او نیز تنها در گرو رشد و شکوفائی آن استعداد باشد.
- ۲- انسان مجموعه ای از استعدادهای گوناگون و موجودی چند ساحتی است. بعضی از این استعدادها در طول هم و برخی دیگر در عرض هم قرار دارند. تکامل انسان در گرو شکوفائی همه جانبه و هماهنگ همه این استعدادهاست. بعضی از فضائل ناظر به رشد یک یا چند استعداد معین است، همچنانکه رذائلی که در نقطه مقابل آن فضائل قرار می گیرند، سبب تضییع همان استعدادها می گردند. ارتباط هر یک از فضائل با آن هدف کلی و اساسی، ارتباطی است که استعداد مربوط به آن فضیلت با کمال نهائی انسان دارد. ولی بهر حال، این یک اصل کلی و مسلم است که هر فضیلتی ارتباطی با کمال نهائی انسان دارد هرچند این ارتباط گاهی بسایر مبهم و کاملاً غیر مستقیم باشد.
- ۳- انسان موجودی تکامل طلب و متصاعد است و برای بالا رفتن و تعالی یافتن نیاز به دستگیره و ریسمان الهی دارد که همان قرآن و عترت است.
- ۴- تکامل اخلاقی در فرد و جامعه، مهمترین هدفی است که ادیان آسمانی بر آن تکیه می کنند، و ریشه همه اصلاحات اجتماعی و وسیله مبارزه با مفاسد و پدیده های ناهنجار می شمردند.
- ۵- انسان جزء اصلی تشکیل جامعه صالح و سالم است. انسان برای اصلاح جامعه و تشکیل اجتماعی سالم، نخست باید اصلاحات و تحولات را از درون خود، آغاز کند؛ زیرا مسائل اجتماعی، زشتی، فساد و... در اجتماع، مربوط به انسان است.
- ۶- اسلام واقعی در صورتی در جامعه مسلمانان تجلی می کند که فرد فرد مسلمانان یا لاقول اکثریت آنها از روی ایمان و از صمیم دل، به مبارزه با رذایل و خوی حیوانی پرداخته و به تحصیل مکارم اخلاق پردازند.
- ۷- در نظر داشتن رضای الهی و بالاترین و والاترین هدف انسان یعنی قرب الهی در کارها و اعمال و رفتار سبب می شود که همواره از اعمال و رفتار خود مواظبت نماییم. این تحقیق ۱۱ اصل را بر اساس استنباط محقق ارایه نمود. همچنین در این تحقیق ۳۷ روش اخلاقی که باعث رسیدن انسان به کمال می شود استنباط و ارائه گردید. برای شناخت ارتباط هر یک از روشها با اصول و نیز شناخت هر یک از اصول با اهداف، جدولی ارایه شده که نحوه ارتباط آنها را روشن می سازد.

## پیشنهادات:

### پیشنهادات پژوهشی:

- ۱- پیشنهاد می شود محققین بعدی میزان استفاده برنامه ریزان و مسئولین را از اصول و روشهای اخلاقی ارایه شده را در برنامه های تربیتی و درسی مورد بررسی قرار دهند.
- ۳- پیشنهاد می شود عواملی که مانع رسیدن انسان به کمال می شود به صورت دقیق تر مورد بررسی قرار گیرد.

### پیشنهادات کاربردی:

- ۱- تدوین محتوای آموزشی مناسب بر طبق اصول و روشهای ارائه شده در این تحقیق
- ۲- برنامه ریزی نظام مند و هدفمند نظام آموزش های رسمی از مرحله کودکی برای اینکه انسان را در رساندن به کمال یاری رسانند.

## منابع

- ۱- قرآن مجید
- ۲- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۶۴). النهایه، چاپ چهارم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۳- ابن منظور، محمد ابن مکرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب. ج اول. بیروت. دار الاحیاء التراث العربی.
- ۴- احمد نگرى، عبدالنبی بن عبدالرسول (۱۹۹۷م). موسوعه مصطلحات جامع العلوم. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون
- ۵- ارفع، سید کاظم (۱۳۸۱). اخلاق در قرآن. قم. نشر فیض کاشانی.
- ۶- آمدی، عبد الواحد بن محمد (بی تا). شرح غررالحکم. تهران. دانشگاه تهران.
- ۷- باقری، خسرو (۱۳۷۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. چ چهارم. تهران. انتشارات مدرسه.
- ۸- جوادی، عبدالله (۱۳۶۹). کرامت در قرآن. تهران. مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۹- حائری تهرانی، مهدی (۱۳۷۸ ش). شخصیت انسان از نظر قرآن و عترت. تهران. انتشارات بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج).
- ۱۰- حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۵). اسلام و تعلیم و تربیت. چاپ پنجم. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۱- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۹۹۱ م). وسائل الشیعه. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
- ۱۲- حرانی، حسن بن علی بن الحسن بن شعبه (۱۳۷۶ ه.ق). تحف العقول. تهران. مکتب الصدوق.
- ۱۳- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۳۹۷ ق). وسائل الشیعه. چ چهارم. تهران. مکتبه الاسلامیه.
- ۱۴- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۶۱ ش)، معرفت نفس. تهران. نشر علمی و فرهنگی.
- ۱۵- حسینی، جعفر (۱۳۸۱). خودسازی و تهذیب نفس. قم. دار الثقلین.
- ۱۶- خالد برقی، احمد بن محمد (بی تا). المحاسن برقی. طهران. دار الکتب الاسلامیه.
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران. دانشگاه تهران.
- ۱۸- دیلمی، حسن (۱۴۱۲ ق). ارشاد القلوب. ج ۱. چ اول. قم. ناشر شریف رضی.
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). المفردات فی غریب القرآن. ج ۱. چ اول. بیروت. دارالعلم.
- ۲۰- رضی، سید شریف (۱۳۷۸)، نهج البلاغه. ترجمه و شرح فیض الاسلام. تهران. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۲۱- زیدان، عبدالکریم (۱۳۷۳). الوجیز فی اصول الفقه. نشر احسان.
- ۲۲- سادات، محمد علی (۱۳۶۷ ش). اخلاق از دیدگاه قرآن و سنت. تهران. سمت.
- ۲۳- سبحانی، محمد رضایی (۱۳۸۶). اندیشه اسلامی. ج ۱. تهران. پیام نور.
- ۲۴- سلطانی، غلامرضا (۱۳۶۴). تکامل در پرتو اخلاق. ج ۱. قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۵- شاتو، ژان (۱۳۶۹). مریبان بزرگ. ترجمه غلامحسین شکوهی. تهران. دانشگاه تهران.
- ۲۶- شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۵). دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۲۷- شمس الدین، احمد بن خلکان (۱۹۷۸ م). وفيات الاعیان. ج ۳. بیروت. دار صادر.
- ۲۸- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ ق). خصال. ج ۱ و ۲. چ دوم. قم. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۹- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۴ ق). عیون اخبار الرضا. تحقیق شیخ حسین اعلمی. بیروت. مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۳۰- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۶ ق). ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. چ اول. قم. انتشارات دار الرضی.
- ۳۱- طاهری، حبیب الله (۱۳۷۰). درسهایی از اخلاق اسلامی. قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۲- طباطبائی، سید محمد حسین (بی تا). المیزان. چ چهارم. قم. جامعه مدرسین.

- ۳۳- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت. مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- ۳۴- طبرسی، شیخ فضل بن حسن (۱۳۷۶). مجمع البیان. قم. ناصر خسرو.
- ۳۵- عبد الباقي، محمد فواد (۱۳۸۳). المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم. قم. نوید اسلام.
- ۳۶- عربی، محی الدین (بی تا). فتوحات مکبیه. بیروت. نشر دار صادر.
- ۳۷- عزالدین (ابن اثیر)، علی بن ابی الکریم (۱۳۶۴ش). النهایه. چ چهارم. قم. مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ۳۸- عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید. ج ۲. چ پنجم. تهران. انتشارات امیر کبیر.
- ۳۹- فیض کاشانی، محسن (۱۹۸۳م). المهجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء. بیروت. نشر اعلمی للمطبوعات.
- ۴۰- قائمی امیری، محمد مهدی (۱۳۸۳). انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام. تقریرات درس آیت الله ممدوحی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۱- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۲). اخلاق حرفه ای. قم. مجنون.
- ۴۲- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش). اصول کافی. تهران. دار الکتب الاسلامیه.
- ۴۳- کمالی، حسن (۱۳۸۸). اخلاق صنفی در نظام اداری کشور. تهران. مدبر.
- ۴۴- متقی الهندی، علاء الدین بن حسام الدین (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی أحادیث الأقوال و الفعال. بیروت. مؤسسه الرساله.
- ۴۵- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ هـ. ق). بحار الانوار. بیروت. مؤسسه الوفاء.
- ۴۶- مجلسی، محمد باقر (۱۹۸۳ م). بحار الانوار. بیروت. مؤسسه الوفاء.
- ۴۷- مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۶ ق). بحار الانوار. تهران. مکتبه الاسلامیه.
- ۴۸- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). منتخب میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. چ سوم. قم. دارالحدیث.
- ۴۹- محمدی ری شهری، محمد و با تقدیری، محمد (۱۳۷۹ ش). دوستی در قرآن و حدیث. ترجمه: سید حسن اسلامی. چ اول. قم. دارالحدیث.
- ۵۰- مصباح، محمد تقی (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۵۱- مصباح، مجتبی (۱۳۸۵). بنیاد اخلاق. قم. مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ۵۲- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش). مجموعه آثار. چ پنجم. تهران. صدرا.
- ۵۳- معین، محمد (۱۳۷۵ش). فرهنگ فارسی. چ دوم. تهران. امیر کبیر.
- ۵۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). زندگی در پرتو اخلاق. تهران. سرور.
- ۵۵- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۷). تفسیر نمونه. دار الکتب الاسلامیه. تهران.
- ۵۶- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران. دار الکتب الاسلامیه.
- ۵۷- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن. قم. مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- ۵۸- ناصری، عبدالله (۱۳۹۰). فلسفه خلقت انسان. تهران. کانون اندیشه جوان.
- ۵۹- نراقی، احمد (۱۳۸۶). معراج السعاده. قم. هجرت.
- ۶۰- نراقی، مولی احمد (۱۴۰۸ق). عوائد الایام. قم. مکتبه بصیرتی.
- ۶۱- نراقی، محمد مهدی (بی تا). جامع السعادات. نجف. مطبعه النعمان.
- ۶۲- نصری، عبدالله (۱۳۶۸). انسان از دیدگاه اسلام. تهران. پیام نور.